

اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در باره
تشدید تشنج و وخامت اوضاع در
منطقه خلیج فارس

در صفحه ۲

اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در باره
اعدام گروهی دیگر از زندانیان سیاسی

کشته شدن را منتظر نکرده و نمی کند. رژیم خمینی از بشمار اعتراضات فزاینده مردم ایران و نیروها و محافل ترقیخواه جهان می گوید. سیاست پیگردوبازداشت وسیع انقلابیون را درخفا پیش بردوشکنجه و اعدام مبارزین دربندراکتیمان نماید. پس از یورش تابستان ۶۵ رژیم علیه سازمان ماکه به بازداشت بیش از ۱۰۰۰ تن از اعضا و هواداران سازمان منجر شد، در نیمه دوم سال ۶۵ آغاز سال ۶۶ نیز چند یورش مخفیانه دیگر علیه نیروهای سازمان مازادباختران، گیلان و مازندران صورت گرفته است. و در هر کدام دهها نفر از اعضا و هواداران سازمان ربوده شده و تحت شکنجه قرار گرفتند. تاکنون چندتن از رفقای ما زیر شکنجه های وحشیانه رژیم، به شهادت رسیدند. "سرکوب در تار و پود سیاسی رژیم در برابر سازمان ما است. شرایط فشار بر زندانیان سیاسی و اعدامهای دسته جمعی آنان، بویژه پس از اعتصابات قهرمانانه اوین، گهر داشت و قتل حصار شدت یافته است. این بقیه در صفحه ۲

برابراخباری که علیرغم اختناق سیاه از آن سوی دیوار شکنجه گاههای خمینی رسیده است، درآستانه تیروروز ۲۸۰ تن از زندانیان سیاسی ایران توسط رژیم جمهوری اسلامی تیرباران شده اند. اخبار رسیده حاکی از آن است که عده ای از اعدام شدگان از مسئولین و اعضای سازمان ما بوده اند. که چندتن از آنان از مدت ها پیش در آسارتگاه رژیم زیر شکنجه قرار داشتند. در تابستان خیر از سوی مقامات رژیم، چندین پیش مقدماتی شکنجی شورای عالی قضایی اعتراف کرد که طی دو هفته، تعدادی از اعضای سازمانهای سیاسی ایران، در تهران و چند شهر دیگر اعدام شده و عده ای نیز به حبس های طویل المدت محکوم شده اند. اخیرا سازمان ما همدین نیز خبر داده است که در اوایل اردیبهشت ماه، رژیم ۷ تن از مجاهدین بازداشت شده را نیز به قتل رسانده است. قبلا نیز رژیم رسماً اعدام ۱۶۵ زندانی سیاسی در سال ۶۵ را اعلام کرده بود. این در حالی است که رژیم جیش و جنایت هیچگاه اطلاع دقیقی از تعداد واقعی

انحلال حزب "امام"
نقطه عطفی در اوج گیری
بحران رژیم

ماه گذشته خمینی، حزب جمهوری اسلامی را به درخواست روسای آن منحل کرد. حزب "امام" که بسیار ملاحید خوددوی بوجود آمده بود، به ناچار به تار و پود خود و از منحنه سیاسی کشور رانده شد. حزب جمهوری اسلامی در طول فعالیت ۸ ساله اش، علیرغم وجود جریانات مختلف در درون آن، کمپن تورانه علیه طبقات کارگر و جنبش کمونیستی و دمکراتیک کشور تلاش کرد. این حزب موثرترین شکل سیاسی حکومتی در استقرار ولایت فقیه بود. این حزب شیخ ساخته که قرار بود مظهر اراده واحد اصحاب خمینی باشد، هیچگاه یکدست نبود و تالیفات متفاوت طبقاتی شیوخ حاکم و تناقضات آنرا را همواره در درون خود می پروراند و نتوانست مل می داد. مدت ها بود که این حزب، فاقد اراده واحد و جهت یابی به یک حزب سیاسی بود و عملاً به دو حزب تقسیم شده بود. در این باره رفستجانی در شهریور ۶۲ گفت که: "در داخل حزب... دونوع تفکر مشخص ترازیقیه به چشم می خورد و این دو طرز تفکر، رقابت های با همسم دارند... این ساله خلیجی اساسی است که ما ببنوانیم یک مشکل با آن مواجه هستیم" و در توضیح تاثر وجود افکار متفاوت بر یکپارگی حزب در همانجا گفت که: "در کشورهای دیگر معمولاً این دو حزب می شوند. مشکل ما این است و این ساله با بدخل بشود. یک جایی که آیا واقعاً می شود یک حزب داشته باشیم و این دو طرز تفکر هم دور هم دیگر بنشینند، با هم رفیق باشند و بدون برخورد، بدون این مشکلاتی که شما دارید می بینید، بتوانند حزب را اداره کنند. این امر من نمی دانم جایی تجربه شده باشد، در دنیا من حزب این جور اطلاع ندارم." آن مشکل اساسی تا زمانی که حزب جمهوری اسلامی منحل شد، باقی ماند، به همین دلیل در ماه گذشته نیز (۱۴ خرداد) رفستجانی پس از انحلال حزب یکبار دیگر تا کید کرد که "اختلافات درون حزب (از نوعی است که در حقیقت عمدتاً دوجریان هستند، مسایلی که رفستجانی در ۲۷ شهریور ماه ۶۳، درباره وضع حزب گفت، اعتراف آنکار به ورشکستگی سیاسی آن بود، از مجموعه اظهارات وی چنین برداشت می شد که: اختلافات مانع انتشار مواضع اقتصادی و اعتقادی "حزب بود، شورای مرکزی حزب نمی توانست کار کند، فراکسیون حزب در مجلس تا به تصویبات رهبری آن نبود، شورای اداری فلج شده بود، اعضای حزب تشنجی و نظرفردی خود را مبنای اجرای دستورات رهبری قرار می دادند و غیره. در باره نتایج مبارزه دوجریان یکی از زندانیان بقیه در صفحه ۲

همبستگی جهانی با زندانیان سیاسی

● نمایندگان حزب کمونیست فرانسه و چند سازمان سیاسی دیگر: "ما ضمن محکوم کردن دستگیری و شکنجه قریب هزارتن از فدائیان خلق، خواهان آزادی زندانیان سیاسی ایران هستیم."

● هیاتهای نمایندگی ۱۸ کشور در کنفرانس "جبهه در وطن": "مانگران جان دهها هزار زندانی سیاسی در ایران از جمله فدائیان و یهوده ایها و دیگر تیریه های دموکراتیک و مبارز می باشیم."

آزاد و میهن دوست خارج از کشور نیز شرکت جستند. عین العمل جهانیان در مقابل تبعیضات سیاسی رژیم، ستودنی است. جدا از حزب سازمان، شخصیت اجتماعی، روزنامه و رسانه گروهی که در مجموع نمایندگی دهها میلیون تن از مردم جهان را بر عهده دارند رژیم مستبد و بقیه در صفحه ۲

بدنبال فراخوان کمیته مرکزی سازمان چیست. تداوم مبارزه برای نجات جان زندانیان سیاسی از آغاز سال جاری، اعضا و هواداران سازمان در بسیاری از کشورهای جهان با برگزاری اعتصاب غذا، تجمعات، تظاهرات، راهپیمایی و... افکار عمومی جهانی را به حمایت از زندانیان سیاسی ایران فراخوانده اند. در اغلب این اقدامات، ایران

اخراج ۷۵۰ هزار کارگر، ره آورد رژیم خمینی

سیل اخراج کارگران در جمهوری اسلامی، در اثر ادامه جنگ و تشدید بحران اقتصادی، تنگنایان دامنه های بخوردگرفته در تاریخ معاصر ایران بی سابقه است. در سیستم شوراهای اسلامی کار، حسین کمالی نماینده مجلس و مسئول کمیسیون کار و امور اداری و استخدامی اعلام کرد که "تعداد کارگرانی که تا پایان سال ۶۵ اخراج شده اند به ۷۵۰ هزار نفر می رسد". علیرضا محبوب، مشاور نخست وزیر در امور کارگری، نیز تا کید کرد که "تعداد اخراجی های سال ۶۶ بمیزان بیش از ۶۵۰ خواهد رسید". باید افزود که تا وقتی که در برهمنی با شنه می خرد، چشم اندازی جز گسترش تصاعدی اخراج ها و تشدید بحران بیکاری متصور نیست. هم اکنون بینا به اعتراف غلامحسین نادی، نماینده مجلس و عضو کمیسیون برنا مه بودجه، شمار تسوده بیکاران کشور از ۲/۸ میلیون نفر تجاوز کرده و ۲۹٪ جمعیت فعال کشور بیکارند. این توده وسیع، هر روز انبوه تر و گسترده تر می شود از یک طرف با اخراج های توده ای کارگران (منحمله طرح اخراج ۱۵۰ هزار کارگر در رابطه با برنا مسه تکمیل ساختار صنعتی کشور) تا به اعتراف سرحدی ۲۵ بقیه در صفحه ۲

همافر فدایی، رفیق ابراهیم پورنیا شهید شد

روزی نیست که در زندانهای رژیم، جناایت تازهای رخ ندهد و تعدادی دیگر از زینا آوران آگاه می و مبارزین خلق، شکنجه و کشتار نشوند تا مگر رژیم سرمایه داری قفا چند صباحی بیشتر دوام آورد. موج دستگیری مبارزین ادامه دارد، شماری از اسیران اعدام شده اند و شکنجه گران اهریمنانه در کار رند تا مگر مقاومت انقلابیون اسیر را در هم شکنند. بسیاری از زندانیان سیاسی در معرض اعدام قرار گرفته اند. فدایی خلق همافر یکم ابراهیم پورنیا عضو سازمان و از فعالین پرشور انقلابی و رش در آذربایجان پس از تحمل شکنجه های وحشیانه، سرافراز مقاومت جانانه در حفظ اسرار زمانی و وفاداری تا به آخر بقیه در صفحه ۴

یاد قهرمانان ۸ تیرگرمی باد

۸ تیر با زدهمین سالگرد شهادت قهرمانان سیاسی است که قلبیان از میز آتشین به طبقه کارگر و توده زحمتکش و فرتنی سوزان به دشمن طبقاتی آنسان آکنده بود. ۸ تیر با لروزیخون غلغلیت فدائیان است که تمام هستی خویش را فدای سعادت خلق کردند. ۸ تیر با لروزیخون دت رفقا حمید اشراف یوسف قانع خشکیاری، محمدرفا شیرخانی، محمدحسین حقنواز علی اکبروزیری، طاهر خرم، غلامرضا لایق مهریانی، فاطمه حسینی، محمد مهدی فوقانی، غلامعلی خراطیور و سگر حسینی برده است. بقیه در صفحه ۸

در باره نقشه کار سازمانگرا نه در میان کارگران

در صفحه ۵

- ☆ وزارت کار یا وزارت سرمایه؟ در صفحه ۸
- ☆ ارتش اسلامی، ارتش تجاوز و سرکوب در صفحه ۲
- ☆ جنگ زرگری با آمریکا و ادامه معاملات پشت پرده در صفحه ۹
- ☆ پیشنهادات پیمان ورشو درباره صلح و خلع سلاح در صفحه ۹

زنده باد صلح، زنده باد آزادی، مرگ بر خمینی

انحلال حزب ... بقیه اصفحه اول مجلس چنین گفته است: "با کشتن بهشتی مسئولان درجه یکی از قبیل آقای هاشمی و آقای خامنه ای با مسئولیت های ظخیر و سنگین و متعددی که داشتند آنگونه اشرافی که اوایل بود، نبوده و لذا گذردن حزب جمهوری اسلامی ایران بدست افرادی در پرتو ن و سهرستان نیا افتاد که عوض مطرح کردن اهداف انقلابی می خواستند خودشان را مطرح کنند و عده ای هم وجود فرصت طلب از این رخته استفاده کرده اند و به مجلس آمدند و در ارگانهای دیگر قرار گرفتند و از آنجا کار کشی شروع شد. و با ملاحظه می کنیم افرادی آمده اند و او را در حزب جمهوری شده اند، از قبیل ... انجمن جنبیه، اوگفت: کسانی که در فکر احیای حزب جمهوری اسلامی هستند از این راه، با نظرم اینها آهن سرد می گویند، آب دهن و می گویند. با پیدا و وحدت وانجام در زیر پرچم جمهوری اسلامی ایران و قیادت امام امت پیش برویم" (ارگانیست ۲ اردیبهشت ۶۶)

این اظهارات، اعتراف آشکار به قدرت گیری شدید جریان راستی و همدستان آن در رهبری حزب جمهوری اسلامی بود. این او را خود عده ای نیز به کفر "احیای" حزب افتاده بودند که معنای آن چیزی جز بیرون کشیدن رهبری حزب از زیر نفوذ جریان راستی نبود. نفوذ جناح راستی در رهبری حزب تا بدان پایه رسیده بود که نماینده مجلس ارتجاع فکرا حبیبی از حزب راب درها و ن گویند می دانست. درگیری دو جناح عامل تعیین کننده فلج شدن حزب و ناشی از وجود دو جناح عمده در هیات حاکمه بود. رفسنجانی در همان زمان گفت: "در میان مسلمانان حسرتی که هر دو آنها بیرو خط امام هستند، دو طرف متفکر در مسایل اقتصادی و اجتماع عی وجود دارد. این مساله منحصر به قشر خاصی هم نیست و در میان علما هست، در طلبه ها هست، و در مدرسین هست در نمایندگان مجلس هست، در شورای نگهبان هست، در بزرگان و بیگانگان ... وی سال گذشته نیز همین مطلب را تکرار کرد (اقتصاد اسلامی شماره ۲۲، ۶۵). حالاً هم نماینده دو جریان در همدارگانهای رژیم امتداد دارد. از این دو طرفت یا بی انحلال حزب و در نشان دادن آنکه هر دو اصل خمینی برای آن مساله خیلی اساسی سترون است، امروز مورد و با بی برنقاط وحدت و تضاد دو جریان عمده حکومتی است. هر دو جناح در سیاست خارجی طرفداران نزدیک و دور امپریالیسم جهانی و شوروی ستیزی هستند و در سیاست داخلی از استبداد مذهبی، کمونیسم ستیزی، عدالت ستیزی، و جنگ طلبی حمایت می کنند. هر دو جناح مدافع نظام سرمایه داری هستند و در زمینه با خلق متحد یکدیگرند. اما این دو جریان در زمین وحدت و در این اختلافات جدی هستند که آن دو را از یکدیگر جدا می کند.

این اختلافات در کدام عرصه ها خاص می شوند: نقش دولت در اقتصاد کشور در سیاست گذاری اقتصاد از موارد مهم اختلاف است. در این زمینه آذری قمی تئورسین یک جناح نظریاتی جناح مربوطه را با روشنی تمام منعکس می کند. او در تاریخیدلایحاح ارتجاعی "تعیین شیوه و حدود فعالیت تولیدی بخش خصوصی" گفته که: "اگر شورت محدود به حدود محدودی که همسایر با بین باشد، هرگز انگیزه ای برای تلاش زیاد باقی نمی ماند و اگر آزادی در قیمت فروش نباشد، بلکه به تسخیر تثبیت شده، هر چه با سود معقول (باشد)، انگیزه ای برای تولید ایجاد نمی شود ... اگر میزان فعالیت محدود باشد، انگیزه ای برای صنایع بزرگ و کارهای عام المنفعه و سرمایه گذاری بیشتر وجود نخواهد آمد ... از آنجا که در این مردم در تولید و فروش کالا علاوه بر اینکه انگیزه خلاقیت و ابتکار آنها تشویق می گردد، با رها زدوش دولت برداشته و به مردم واگذار می شود ... شعارهای مردمی همسان شعارهای سوسیالیستی است ... (کیهان ۲۶ بهمن ۱۳۶۴)

آزادی کامل تولید و فروش، صادرات و واردات، لغو هرگونه قیمت گذاری توسط دولت، تملک همه صنایع و معادن سوذآور، تسلط کامل بر تجارت داخلی، انحلال صنایع و بیا زارد داخلی، لغو هر نوع محدودیت بر فعالیت بخش خصوصی و برانباشت سرمایه و مالکیت، فشرده نظرات آذری قمی و روشی خواسته های اقتصاد این جناح است. جریان دیگری بر این اساس بر ترو دولت در اقتصاد کشور قرار تر می نهد، در این حال که از فعالیت بخش خصوصی نیز دفاع می کند. اختلاف بر سر نقش دولت به عرصه اقتصاد محدود نمی شود. رسالتی ها، دولتی ها خواهند که همه مواضع آن را مطمئن ترین عناصر این جناح اشغال کرده باشند. آنها همواره تلاش کرده اند که دست رفسنجانی، وزارت خانه ها و مواضع کلیدی را بدست بگیرند. مطمئن جناح خود بسپرند، هر دو طرف می گویند که این دست ها را در اختیار خود بگیرند. تا مین منافع شخصی و دسترسه بنسیدنیایی که حول منافع گروهی شکل گرفته، کوشش برای گرفتن بهار نهادهای، شکل های اجتماعی، مذهبی و دولتی، تقسیم پست ها و مقامات، گرفتن مهیا ر

سازمانهای روحانیت و پست جا نشینی و غیره، جنگ قدرتی را بوجود آورده است که پای همه مراجع را نیز به میان کشیده است.

این دو جریان در تقسیم اسلام برای دستیابی به مقام صدری در دنیا اختلاف جدی دارند. جریان راستی از "اسلامی فقهی" دفاع و بر آن پای بسته "اسلام اجتهادی" مخالفان حمله می کند. راستی کاشانی پس از حمله به طرفداران فقه اجتهادی که آن را "روشن فکر" می نامد، می نویسد که آنها می خواهند "با ازبایش های متعدد با کشته شده علت این که خون نجس است، چیست؟ و یا چرا آب کر پاک کننده است؟ و سؤال اولی از این قبیل که همگی فلسفه و جرایبی احکام را تعقیب می نمودند یا سبسیاری از آنها دلوحان نیز با رشتن می آمدند که در حوزه های علمیه هم فقهی با پیدا از میات فراوان و با مشاهدات میکروسکوپی خود در این موارد حکم دهند که خون نجس و آب کر پاک کننده است." او به مخالفان خود حمله می کند که می گویند: "چون اتموسیلر بیگان ن شرابین زمانه است و چون دربار مشر نیز با نازل شده است، پس ما حسان آن (بیگان) با یذکات بدهند. (رسالت ۲۹ فورسین ۶۶). در واقع این بحث حوزه ای که "بیگان" شراب است با بیگان "بیگنی" است. این بین دو طرف در باره گرفتن مالیات از سرمایه داران که امثال "راستی" با آن سخت مخالف هستند. همه این اختلافات دو جریان را به مبارزه سیاسی برای تسخیر همه مواضع قدرت سپا کشیده است. این مبارزه قدرت مدتهاست ادامه دارد. و هر روز نیز شدیدتر می شود.

در حال حاضر، همه شواهد نشان می دهد که سرنوش مجلس سوم و اینکه سوسیله کدام جناح قبضه شود از موضوعات جدید اختلاف دو جریان است. مبارزه انتخاباتی غیر رسمی از جمله اکنون آغاز شده است. در این رابطه یک نماینده مجلس، پس از ایشا ره به وجود دو جریان مختلف و ضرورت وحدت آنان گفته است که "معنای این وحدت این نیست که شما بروید در شهرستانها از حاکمات انتخاباتی شروع کنید و بعد هم اگر کسی بخود مخالف شما صحبت کند، بگویید یا پسن خلاف وحدت شده است." (رسالت ۲ اردیبهشت ۶۶). این نماینده همانجا اشاره می کند که جریانی سیاسی خواهد بود که از نمایندگان فکری با بعضی مسلمان "هووسگی" از مجلس بیرون کند. این نماینده به رسالتی ها اشاره کرده که می خواهند ترکیبی را به مجلس سوم روانه کنند که با شورای نگهبان انطباق کامل داشته باشد. قبلاً نیز نماینده دیگری به سه جریان دیگر اشاره کرده بود که می خواهد "دانشگاه اسلامی" و "را دیو و تلویزیون را به ارگان تبلیغاتی یک با تدبیری تبدیل نموده و برای اشغال اکثریت کرسی های مجلس سوم، چیره سازی کند" (کیهان ۱۳ اسفند ۶۵). همچنین نمایندگان خرم آباد باقیست به سو و پروپرسی آموزش و پرورش حمله کرده اند و از خانه ها را به "مستاد انتخاباتی" که تبدیل نکنند. (روزنامه ها ۲۱ اردیبهشت) این شواهد همه نشان می دهند که دو طرف برای درست گرفتن کنترل مجلس آینه شده، دست بکار شده اند.

تحت تاثیر عوامل فوق مدتی است که مبارزه و افشاکری دو جریان علیه یکدیگر در سطح جامعه دوباره تشدید شده است. مثلاً در جریان سرکوب مهدی هاشمی و دستگیری احمد کاشانی، هر طرف کوشید که یکدیگر از دورا برجسته کند و دیگری را در سایه قرار دهد. جریان راست در حالی که جریان احمد کاشانی را که اهمیت جلوه می داد، مخالف خود را متهم می کرد که به جریان خطرناک هاشمی برای لازم نمی دهند و سرکوب کامل آنرا می طلبید. بنوی دیگر، مترکز شدن دوباره اختلافات روی رابطه مجلس و شورای نگهبان است. چرا که وضع بیگونی شده است که کار مجلس ارتجاع در قانو گذاری و در حلال اختلاف با شورای نگهبان به بن بست رسیده است. ماه گذشته رفسنجانی که به همراه نمایندگان به مسناست با این هفته مجلس جنبی رفته بود، اعتراف کرد که مجلس در وضع قوانین مهم منجمله در زمینه زمین و معانی عا جزمانده است و به همین دلیل از او خواست که در حل مشکل مجلس و شورای نگهبان مداخله کند. ولی خمینی نتها حاضر شد که برای آن با عا کند. اما در این جریان منتظری از شورای نگهبان حمایت کرد و گفت که عا نما دنیا شورا از مسایل مسل اساسی رژیم و تضعیف آن به ضرر انقلاب و اسلام است. او از شورای نگهبان بیخاطر است و کاشانی ش تنگ کرد و نتها به شورای این ایراد گرفت که به قدر کافی در هیات حاکمه کار نمی کنند که از مصوبهات در خارج تصویب نشوند. موضع گیری منتظری نشان داد، این که رفسنجانی تا یکدیگر که "اگر خمینی بطور قاطع به حل مشکلات قانون گذاری میبادت نکنند ما هرگز اطمینان به بی فتن شخص دیگری که بشود ندیده اند. در چنین وظیفه ای شود، در آینه نخواهیم داشت" تصادفی نبوده است. آنچه در این میان اهمیت دارد، مصاحبه رفسنجانی در فدردی املاقات با خمینی است. او گفت که: "اگر قرار بر شدقوانین موصوبه مجلس متعاقباً از طرف شورای نگهبان رد شود، در این صورت تصویب

قوانین از طرف مجلس علمی بی خیر خواهد بود." او در همین مصاحبه از زفات که از کمیته فدائیان شکا بست داشتند خواسته که به خمینی مراجعه کنند. رفسنجانی در این مصاحبه گفت که قانون اساسی جمهوری اسلامی با عجله تنظیم شده و شامل بخش های است که نیاز به تغییر دارد. پیش کشیدن تغییر در قانون اساسی از جریان فدائی و مجلس شورای نگهبان بوسیله رفسنجانی و اعلام آن در سطح جامعه با پید مورد توجه قرار گیرد.

در مبارزه برحان در بیا لا، خمینی نیز نمی توانست مثل سابق نقش بازی کند. گوجه خمینی هنوز نقش اصلی را در حکومت دارد و در فروروش دادن موقتیست تضادها موثر است و هنوز هر دو جریان از تهدیدها و ریزش ریزی مستقیم با او می هراسند. اما او در قی نیست هر چه می خواهد پیش ببرد. مثلاً وقتی که انتصاب دوباره موسوی به نخست وزیر مطرح شد، خمینی به همه نمایندگان دستور داد که او را بریزند. علیرغم حکم صریح او، ۱۰۰ نماینده مجلس به وی رای دادند. با علیرغم دعوت های او به وحدت و تهدیدهای او علیه کاشانی که "وحدت کلمه" را رعایت نمی کنند، این او را خراب زار شهران علیه داد مالیات به دولت، مبارزه علامیه داد (کیهان ۱۳ اسفند ماه ۶۵). در زمینه برداشتن سخن آن آذری قمی بسیار گویاست. او در خرداد ماه ۶۵ بدون آنکه از خمینی نامه می ببرد، در جواب او با تکیه بر گفتار "علی" گفت که: "تومی توانی نظرخود را به من بدهی ولی من هم می توانم از تو پذیرا بشوم و آن را بکار بستم و اگر حجتی ندانستم با تو مخالفت بنمایم" (رسالت ۸ خرداد ۶۵). این جنبه از موقیبت خمینی در جریان هاشمی و در برخورد با منتظری نیز خود را نشان داد. وقتی خمینی تصمیم گرفت که از بیگان هاشمی، پای منتظری را به میان بکشند و او را بعنوان کسی که تحت تاثیر افراطیانش قرار می گیرد قاطعاً رای مستقل است، معرفی کند، معلوم بود که هدف او از این کار چیست. اما چندی می نگذشت که در فروردین ماه و برای اولین بار، منتظری بعنوان قائم مقام رهبری در ویترین تبلیغاتی جمهوری اسلامی عرضه شد.

خمینی علاوه بر مخالفت رسالتی ها، با مقام بخش دیگری از بیروانش در باره جمهوری اسلامی نیز روبرو شده است. جریان مهدی هاشمی نمونه شاخص آن است. این جریان که به گذشته شیری "تحت نام مقدس جلاله" جز می وجود داده بود و در گذشته شاخه های از این حزب در چندین شهر کشور معقول فعالیت بودند (اطلاعات ۲۲ آذر ۶۵)، گسترش نا رضایتی و اعتراض در صفوف حزب الهی و جدایی آنان از رهبران رژیم را نشان می دهد. خمینی علیه آنان به سرکوب متوسل شده و مدتها طلبه، با ساد و بسجی و غیره را روانه زندان کرد. این روند در حزب امام نیز با زتاب می یافت و در تشرک انجمن های اسلامی که سوسیله حزب، سازمان یافته بودند، گسترش اعتراض در صفوف پایسین حزب، شرک صفوف سوسیله با ساد را نشان می دهد. و دانشجویان در سالیهای اخیر خود را نشان می داد. این جنبه از تحولات درونی حزب جمهوری اسلامی، که در خدمت افشاکری در میان خلق قرار می گرفت، در ترکیبی از درون حزب را نیز نشان می دهد. می زد و متقابلاً عامل گسترش اختلاف در در اس هر م قدرت می شد.

گسترش اختلافات زمانی اوج می گیرد که پایه های رژیم در درون جامعه لرزان تر از همیشه است و رژیم هیچگاه تا این اندازه در میان توده ها مفید نبوده و تا بدین حد با اعتراض شریب تر نشود. در سرگیتی روبرو نبوده است. خمینی هراس دارد که بحران و تضاد جامعه، سرچشمه حوادث غیر قابل پیش بینی گردد. خمینی در خطابه ۲۵ اسفند خود گفت که "همه با ما مخالفند، همه می خواهند همه را از بین ببرند" خمینی جنا بکتا ر حق داشت که موقیبت حکومت را چنین از بین ببرد. چرا که اکثریت مردم کشور با ادامه جنگ مخالف هستند. اکنون دامنه این مخالفت به درون محافل جمهوری اسلامی نیز کشیده شده است. اکنون نیرویی در جمهوری اسلامی شکل می گیرد که خواهان ملح است و در این او را خرمینی با رها علیه آن حمایت کرده است. علاوه بر آن اعمال سرکوب و کشتار علیه مردم و فقر روزافزون توده ها و وضعی را پیدا کرده که مبارزه محتکاشان و روز بروز علیه رژیم گسترش می یابد و اعتماداً توده ها به آن دایم کاهش می یابد. نمونه روبرگردانی توده ها از رژیم فقهی، انتخابات میان دوره ای مجلس در مرداد ۶۵ است. برای دو "نماینده" رفسنجانی که نمایندگان آن در مجلس اول بیش از ۲ میلیون رای آورده بودند، با همه تقلباتی که داشت ۳۰ هزار و ۲۶۰ هزار رای جمع و جور کردند. در زمینه تفاسر اد جمهوری اسلامی در میان توده ها اعترافات حجتی کرمانی در اطلاعات ۲۴ فروردین ۶۶ بسیار گویاست. او در مقابل "چرا می نویسم" ۱۹ وقاع حکومت را در مجموع چنین ارزیابی می کند: "هدار که ما یو به قوا همک نظام، اعتماد عمومی است. این را صریح بگویم: بقیه صفحه ۳

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در باره

تشدید تشنج و وخامت اوضاع در منطقه خلیج فارس

برای قطع فوری جنگ، برای خروج قوای آمریکایی از منطقه

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) تکراری عمیق خودنست به تشدید و خامت اوضاع و تشدید تشنج خلیج فارس و تشدید تشنج جنگ در این منطقه اعلام داشته، تا کید می کند که آمریکا لیسیم آمریکا نقشه خود برای بهره برداری از آن جنگ را خنثی سازد و عراق جهت تقویت مواضع خود در منطقه خلیج فارس را همچنان پیش می برد.

کنفرانس بین المللی برای حل مسأله فلسطین و پس از موفقیت اجلاس اخیر شورای ملی فلسطین نیروهای جنگ طلب امپریالیستی و صهیونیستی تمام توان خود را بکار گرفته اند که از طریق اقدامات جنگ ایران و عراق و ابتکارات متوالانه اتحاد شوروی و نیروهای ترقیخواه عرب برای تامین صلح عادلانه در منطقه و در خلیج فارس را مختل و خنثی سازند.

فلسطین است. این سیاست با سیاست و منافس امپریالیسم آمریکا انطباق دارد. کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) با نفرت و انزجار این سیاست را محکوم می کند. قطع فوری جنگ و خروج بیدرتنگ نیروهای نظامی امپریالیستی از منطقه خلیج فارس خواست مسلم مردم ایران است. ما حضور ناوگان نظامی امپریالیستی در خلیج فارس و کمک نظامی به جمهوری اسلامی برای ادامه جنگ را شدیداً محکوم می کنیم. رژیم خمینی باید برای تسلیم شدن به خواست عادلانه مردم یعنی قطع فوری جنگ هر چه بیشتر تحت فشار قرار گیرد. کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از همه دولت‌ها و مجامع بین المللی و نیروهای صلح دوست جهان می طلب می کند که بتا به خواست مردم ایران، رژیم جنگ طلب جمهوری اسلامی را برای قطع فوری جنگ و دولت آمریکا را برای خارج ساختن نیروهای تها و زگر خود از منطقه بیسر شکل ممکن تحت فشار قرار دهند و صدای اعتراضی خود را علیه کار برده سلاح شیمیایی و علیه بمباران شهرها و کشتن مردم بی گناه ایران و عراق رسا تر سازند و با همه امکانات از مبارزه مردم ایران در راه صلح حمایت نمایند.

نا بود با جنگ - زنده باد صلح

مرک برا مبریا لیسیم آمریکا

پیرو با دمبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی

کمیته مرکزی

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

۲ خرداد ۱۳۶۶

رژیم ارتجاعی و جنگ طلب حاکم بر کشور ما هرگونه راه حل صلح آمیز و مذاکرات سیاسی را رد می کند و بیگانه ای جنون آمیز بر ادامه جنگ اصرار می ورزد. این سیاست در خدمت هدف سیاسی مداخله گران و توسعه طلبانه رژیم خمینی و بسود امپریالیستی و در رأس همه امپریالیسم آمریکا است. امپریالیسم آمریکا نه تنها زمین ساز و موقوع وقوع جنگ میان دو کشور همسایه ایران و عراق بوده، بلکه تا امروز سیاست آن همچنان ادامه جنگ است. افتخار مدورین پناهی اسلحه به ایران و گسیل انبوه کشتی های آمریکایی به خلیج فارس همه و همه نشان آن است که دولت ریگان خواهان ادامه جنگ است و آن را سودت حکیم مواضع خود در منطقه و تسلیم بیشتر رژیم ایران به خواسته خود بهره برداری می کند.

سیاست جنگ افروزان امپریالیسم آمریکایی و صهیونیسم در منطقه خلیج فارس با مقادیر بیشتری رو برورده است. رژیم جمهوری اسلامی ایران در ادامه جنگ تنها بر حمایت اقلیتی کوچک متکی است. اکثریت قاطع مردم ایران با ادامه این جنگ شوم مخالفت می کند. اقتصاد کشور را زسر دم هزاران قربانی می گیرد، اقتصاد کشور را ویران کرده، بیش از نیمی از بودجه و بخش عمده ای از نیروی کار کشور را به تها می کشیده است. رژیم برای درهم شکستن مقاومت مردم که صلح می خواهند، همه نیروهای دموکراتیک و صلح دوست کشور را سرکوب می کند. زندان، شکنجه و جرحه های اعدام مهمترین وسایل رژیم برای مقابله با مبارزه مردم علیه جنگ و استبداد است.

رژیم جنگ طلب خمینی با لجاجت در ادامه جنگ سرنوشته خود را بر سر نوشت جنگ گره می زند، بسیاری از مردم جنگ و دستیابی به هدف های مورد نظر خود را به جلب توجه و حمایت دولت های امپریالیستی بویژه آمریکا نیا زاده رژیم علیرغم همه هیا هواهای که به پای می کنند، همچنان راه نزدیک و همدستی با محافل امپریالیستی را طی می کنند. سیاست رژیم علیه برقراری صلح بین ایران و عراق، علیه برقراری صلح در افغانستان و علیه کنفرانس بین المللی صلح خاورمیانه برای حل مسأله

امپریالیسم آمریکا می کوشد دولت انگلیس، فرانسه، آلمان، ژاپن و دیگر متحدین خود را در گسیل ناوگان نظامی به خلیج فارس با خود همراه سازد. دولت ریگان می خواهد متحدین خود را به تشکیک یک سیاست تها و زگر بین المللی در خلیج فارس راضی کند. صهیونیسم اسرائیل نیز از ادامه جنگ و تشدید تشنج در منطقه خاورمیانه سود می کند، اکنون پس از مساعده شدن نسبی شرایط برای تشکیل

اطلاعه... بقیه از صفحه اول
اعتمادات به بیایمال شدن ابتدای ترین حقوق انسانی در زندانها صورت گرفت، اما باج جمهور اسلامی به حق طلبی مبارزین شکنجه و اعدام بود. اکنون خطر مرگ جان صدها زندانی سیاسی را تهدید می کند.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) اعیام ردیلا نه زندانیان سیاسی را شدیداً محکوم می کند و از همه نیروهای انقلابی، ترقیخواه و آزاده ای که از همه محافل مترقی و دموکراتیک جهان می خواهد که علیه این جنایات و فحایع ضد بشری با ننگ اعتراض خود را رسا تر سازند و با استفاده از همه امکانات بمنظور تشدید فشار علیه جمهوری اسلامی، آزاده مسه کشتار انقلابیون و مبین نرسان توسط رژیم ددمش خمینی جلوگیری کنند. جمهوری اسلامی باید بطر نقض خشن ابتدایی ترین حقوق زندانیان سیاسی محکوم گردد و برای قطع پیگردوبو زداشت مخالفان عقیدتی رژیم و تقوی هرگونه شکنجه و اعدام، انحلال

اخراج ۷۵۰ هزار کارگر... بقیه از صفحه اول
واظرف دیگر با ورود مداوم نیروی کار جوان به بازار کار (هرسال حداقل ۳۵۰ هزار جوان را در بازار کار می شوند) با پتیرگی و بدمدوم در طول بیکاری ان جای می گیرند. آنچه که فاجعه جبهه بتر است، استمرار بیکاری، و عدم مکان بازگشت به کار اکثریت عظیم اجراج شکان است.

جمهوری اسلامی کدنا مدتیا اجراج تودهای کارگران را "سیاست خدایقلاب" جلوه می داد و اجراج تسوده کارگران را تحت عناوین عوا مفریبا نه ای جسمون "بازخرید"، "کاهش سن بازنستگی" و غیره ریاکارانه پرده پوشی می کرد، سرانجام ناگزیر از اعتراف به آن شده و همراه با پیشبرد سیاست وقیحانه "کم کردن نان خوروا"، "لاجه بیمه بیکاری" را نیز پیش کشیده است. رژیم سرمایه داری آخوندها که مسبب اصلی یسن بحران است، در اجرای "سیاست نوین" جنگسی برای نظامی شرکت کردن صنایع، ادامه جنگ و پیشبرد سیاستهای ارتجاعی اش همچنان بر اجراج، بیکاری و تشدید یس بحران دامن می زند. زیرا: اولاً - برای آنکه فشار بحران اقتصادی خود را بیش از پیش بر دوش طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان منتقل کند.

ثانیاً - با توسل به حربه اجراج و به مخاطره انداختن امنیت شغلی کارگران، جنبش کارگر را تضعیف کرده و در حالت تدافعی قرار دهد. ثالثاً - در بسیج نیروی انسانی برای جبهه های جنگ، از توده وسیع بیکاران استفاده کند. مضافاً بر این بکنکه با تهدید به اجراج و تنظیم به اشکال مختلف بخشی از کارگران شاغل را نیز برای اعزام به جبهه ها بفریستد. وظیفه هسته های مخفی کارگری و همه کارگران پیشرو و آگاهان است که با افشگری بی وقفه و کار آگاهانه خویش، ماهیت سرمایه داری بحران

داگماهای شرع، تا مین حق تحقیق و کنترل وضعیت داد درسی آموز زندانها توسط مراجع بین المللی و آزادی همه زندانیان سیاسی تحت شدیدترین فشارها قرار گیرد. سازمان ما زتمامی اقداماتی که توسط احزاب، شخصیت ها، محافل و مراجع بین المللی در فضاغ از حقوق زندانیان سیاسی ایران و برای آزادی بی قید و شرط آنها صورت می گیرد، استقبال می کند و خواهان تشدید این کارزار بیشتر و دستاورد است. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از همه نیروهای آزادیخواه، مترقی و انقلابی ایران می خواهد که در مبارزه علیه رژیم آزادی کش خمینی برای نجات جان زندانیان سیاسی و مبارزه برای آزادی همه آنان دست به اقدامات عملی مشترک و قاطع بزنند و اجازه ندهند که خمینی نیروهای عیار زراد بر ابروخه اعدام قرار دهد.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از همه مردم شریف و آزاده، بویژه از خانواده های زندانیان

بیکاری و اجراج و وابستگی اقتصادی جمهوری اسلامی به امپریالیسم را توضیح داده، نقش مخرب جنگ را در تشدید استعمار و غارت کارگران و زحمتکشان را بیایمال شدن بیش از پیش حقوق منفی و سیاسی آنها، برملا کرده و رژیم خمینی را بعنوان مسبب اصلی همه این فحایع افشا کنند. پیشروان آگاه کارگری با یبیدا تا کید بر تادامین کارگران شاغل و بیکار، مبارزه مشترک آنها را به اشکال مختلف، علیه اجراج و بیکاری در طول مطالباتسی چون امنیت شغلی، با زگشت به کار و تامین بیمه بیکاری تا زمان بازگشت به کار، همچنان بسراچسب دهند. هسته های مخفی باید همچنان بسراچسب صندوق همیاری برای حمایت از کارگران اجراجی و تحکیم هر چه بیشتر همبستگی میان کارگران شاغل و اجراجی و تضمین تادوم مبارزه شان تا کید کنند. و از همه مهمتر آنکه با یبیدا افشگری بی مسان علیه جنگ و سرمایه ای اقدامات یعنی رژیم خمینی، توضیح رابطه تنگاتنگ میان جنگ و اجراج تودهای کارگران مبارزه کارگران را برای متوقف کردن سیل اجراج در پیوند با مبارزه متحدانه کارگران و مردم علیه جنگ و رژیم جنگ طلبیما زمان دهند.

انحلال حزب... بقیه از صفحه ۲

ما اعتماد عمومی را از دست داده ایم، آری، مردم بهایین حکومت چهل و جنایت نه اعتماد بدون بهدان نشانی احساس می کنند. اینها سیاست و روش زور و نابودی دستگاها که همه دسته های داخلی اش را در دل می پروراند. در چنین شرایطی خمینی بیش از پیش احساس خطر می کند، همدارباش های مکرر و علیه اختلافات در این رابطه است که معنا می یابد. یبیدا رباش ۲۵ اسفند او، بویژه در شرایط کنونی اهمیت دارد. و در آن روز دربار وضع جمهوری اسلامی گفت که اگر "خدای تها خواسته جرقه ای پیدا بشود، خواهد شد این را

سیاسی، که در صرف مقدم دفاع از حقوق زندانیان سیاسی و مبارزه برای آزادی آنها قرار دارند، می خواهد که صفوف خود را زیر فشار "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" فشرده تر سازند.

هر چه مبارزه مردم و نیروهای انقلابی و ترقیخواه بیکار رجه توفریا دا اعتراض شان علیه ترور و اختناق بلندتر باشد، عمور رژیم تشبک رخصینی کوتاه تر خواهد شد.

پیرو با دمبارزه مردم ایران در راه آزادی همه زندانیان سیاسی

پیرو با دمبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی ایران

کمیته مرکزی

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

۲ خرداد ۱۳۶۶

وزارت کار... بقیه از صفحه ۸

اوبه شورای "محترم" نگهبان منافع سرمایه داران اطمینان می دهد که قانون بیمه بیکاری به نفع سرمایه داران و با مشورت و صلاحیت آنها تنظیم شده و شورای نگهبان با یبیدا زان ببات تکراری به خود راه دهد. بدون آنکه کوچکترین اشاره ای به این مسأله بکنند که در تهیه و تنظیم این لایحه منافس مصالح کارگران چگونه ملحوظ شده و تا چه نقشی داشته اند. اظهارات و مواضع وزیر کار در مراسم گذشته ماهیت فدکارگری و ضد مردمی سیاست سردمداران وزارت کار رژیم را برای کارگران و مردم عریانشتر به نمایش گذاشت و بیش از پیش نشان داد که وزارت کار نه تنها مجری، بلکه منادی سیاست جنگی رژیم، توجیه گروم دفاع لجوج اقتصاد نظامی، مجری و مدافع مشروعیت اجراج و تشدید بیکاری توده کارگران است. در یک کلام، این مواجبه ها و خود افشاریها توده کارگران را در قضاوت دیرینه شان مبنی بر اینکه "وزارت کار، وزارت سرمایه است" استوارتر کرده و عزم شان را برای مبارزه علیه رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی را سخت تر می سازد.

بزرگ کرد تا آنجایی که بگویند ایران الان هیچ دیگر در آن نیست، این جنايتکاران زهمین زا و بيه احساس خطرات که تهدیدگرند اگر اوضاع را خطرناک تشخیص دهد "این یا آن دسته" را قربانی نظام می کند. انحلال حزب جمهوری اسلامی مظهر هراس تشدید خمینی از تادامین همه کشتن با بر سر نوشت حکومت است. بقای حزب، جمهوری اسلامی را از کشتن ها و سقوط نجات نمی داد، انحلال آن نیز به معنای پایان درگیریها نخواهد بود. اما این رویساست نقطه عطفی در واگیری بحران سیاسی رژیم است.

ارتش اسلامی، ارتش تجاوز و سرکوب

در نشریه‌ها که شماره ۴۰ ماهیت ارتجاعی و ضدانقلابی "طرح قانونی ارتش" را شرح دادیم اهداف ضد-دموکراتیک و ضدخلق آنرا برشمردیم و نوشتیم که ولایت فقیه می‌خواهد به کمک آن سایه شوم دیکتاتوری خود را بطور کامل بر ارتش بگستراند. اکنون روی برخی از مواد طرح تا ممل بیشتر می‌کنیم:

حفظ استقلال و تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی ایران "طبق بند الف ماده ۵، از جمله هدفهای نظام جمهوری اسلامی و" ارتش مکتبی" شمرده شده است. حفظ نظام جمهوری اسلامی یعنی قتل عام سرکوب‌کارگران و زحمتکشانی که دیرباز زود در برابر رژیم قدس برافراشته و مبارزه انقلابی خود را برای سرنگونی رژیم شدت خواهند بخشید. رژیم بهتر از هر کسی می‌داند که این مبارزه روز بروز گسترش یافته و خفیه می‌گیرد. از این رو در پی آن است که بهتر و کامل تر از سلف خود، شاه‌علاء، از ارتش بهره‌گیرد. از همین رو در بند ماده ۷ مستقیماً وظیفه سرکوب راه‌آنها را در ارتش مجول می‌کند. منظور رژیم از گنجانیدن همکاران با ارتش مجول و سپاه پاسداران در مقابل با اشرار، باغیان تجزیه طلبان و چریک‌ها برانداختن رژیم است. در طرح مورد بحث بر کسی پوشیده نیست "تجزیه طلبان و چریک‌ها برانداختن" عبارتی است که همواره در رژیم‌های ضد انقلابی در مورد جنبش‌های حق طلبانه ملی و احزاب و سازمانهای انقلابی بکار می‌برند. رژیم ارتجاع جنینش خلق کرد را با همین حربه‌هاست که می‌گوید، لشکرکشی به کردستان، کشتار و وحشیانه کودگان و زنان بیداده که از بهار ۵۸ شروع شده و هنوز هم ادامه دارد، و استقرار حدود ۴۰۰ هزار سرباز و پاسدار در نقاط مختلف کردستان محروم و سرکوب هموطنان کرد، تحت عنوان مقابل با "تجزیه طلبان" شاهدین مدعا است.

طبق مفاد بند ماده ۵ "یاری به ملل مسلمان یا مستضعف... به درخواست ملل مزبور" جزو هدفهای نظامی جمهوری اسلامی است. "یاری به ملل مسلمان یا مستضعف" پوشش مناسبی برای صدور "انقلاب اسلامی" رژیم و دخالت در امور داخلی کشورهای دیگر است. هاشمی رفسنجانی این مطلب را خیلی صریح توضیح داده است. وی در مصاحبه مطبوعاتی روز ۱۳ فروردین ۵۸ اظهار داشت که: "قرارگاه رمضان نیز برای کارهای داخل کشور تعیین شده است".

تنها دو ماده ۵ و ۷ برای نشان دادن خلعت اساسی ارتش مکتبی که تجاوزگری و سرکوبگری است، کافی است.

تلاش رژیم برای تسلط کامل بر سیستم ارتش و تا مین سلطه کامل ولایت فقیه بر آن، در بند ماده ۶ تحت عنوان "ولایتی بودن نمایان است در طرح تصریح شده: "نیروهای مسلح تحت فرمان

فرماندهی کل" قرار دارند، و ولی فقیه حتی در تصمیم گیری‌های نظامی نقش اصلی دارد: "دستور فرمانده در صورتی که مغایر با دستورات مسلم شرع، فرامین فرماندهی کل نباشد لازم الاجراست. بر سبل نیروهای مسلح در خط سیاسی مقام رهبری بی‌شود، ضوابط و وابستگی آنان در شکل‌های سیاسی مطلقاً ممنوع می‌باشد. مطلب به حد کافی گویاست. برای اجرای مقادیر ارتجاعی و ضد خلقی رژیم، ارتش باید در دست مقام رهبری مستقیم و مستقیم‌ترین گشته و سیستم اطلاعات گورگورانه بطور کامل در آن برقرار باشد تا هر اعتراض علیه رژیم خفه شود. بر سبل ارتش هیچگونه حق شرکت و اظهار نظر در تصمیمات نظامی نداشته و باید تنها مجری دستورات ارتجاعی رژیم باشد. آنان حق ندارند برای اجرای ازیوغ جمهوری اسلامی در سازمانهای انقلابی مشتعل شوند. این سیاست در جهت منزوی کردن بر سبل و جدا نمودن آنان از توده‌های مردم طراحی شده تا در موقع لزوم ارتش را بیکار چاره در مقابل مردم قرار داده و علیه جنبش انقلابی بکار گیرند. برای جاری ساختن "اساس و ضابطه مکتب اسلام" بر همه "شئون و ابعاد" ارتش و خط سیاسی مقام رهبری در آن، "سازمان عقیدتی - سیاسی و سازمان حفاظت اطلاعات ارتش" در مواد ۱۴ و ۱۶ پیش بینی شده که در راه تحقق خواست رژیم می‌کوشند. در بند ماده ۱۴ "نظارت بر حفظ موازین اسلامی، در تمام زمینه‌ها و اعلام موارد خلاف به مسئولین، و گزارش بر فرماندهی کل... از جمله وظایف سازمان" مستقل و "متمرکز" عقیدتی - سیاسی است که مستقیماً تحت مسئولیت و نظارت ولی فقیه انجام وظیفه می‌کند. ذکر شده است. این سازمان باید با جاسوسی و گزارش موارد خلاف، بر اجرای موازین اسلامی در تمام زمینه‌ها نظارت داشته و بر اساس آنها عمل نماید. دیگر بهیترانه تر از این است نمی‌شود گفت که باید در تمام امور بر سبل دخالت کرد.

جمهوری اسلامی که مذهبی کردن تمام عرصه‌های زندگی اجتماع را در نظر گرفته با تمام پیش‌برده است و با تکیه بر این ماده و مواد دیگر طرح خواهد بود. ارتش را بطور کامل اسلامی کرده و تمام سازمان آنرا با معیارهای اسلام منطبق و سازگار سازد. رژیم با تکیه بر ارزیابی سازمان عقیدتی - سیاسی از شایستگی سیاسی و ایدئولوژیک بر سبل به اعمال نفوذ در پیکارهای عساکر انقلابی، انتخابات و تفریح و تفریبات می‌سر کرده می‌پردازد. رژیم خواهد شد با کنترل تمام فعالیتهای فرهنگی و سیاسی در ارتش بر سبل اکتایح خواست ولایت فقیه کرده و بطور کامل بر آن تسلط خواهد کرد. سازمان عقیدتی - سیاسی سلاح ایدئولوژیک جمهوری اسلامی در ارتش است و می‌کوشد وسیله آن افکار بر سبل را مسموم کرده آنان را نسبت به بر سبل انقلابی بدبین نمود و مانع بیوستن آنان به مبارزه انقلابی گردد. در طرح جدید وظیفه تکمیل عملکرد سازمان عقیدتی - سیاسی در سرکوب نیروهای انقلابی درون

ارتش پیچیده یک سازمان متمرکز اطلاعاتی و امنیتی یعنی "سازمان حفاظت اطلاعات ارتش" گذاشته شده است. ماده ۱۶ طرح دربار این سازمان چنین می‌گوید:

۱- "ما موریت: پیشگیری، کشف، شناسایی و خنثی کردن فعالیت‌های برانداختن... موارد ایجاد ناراضی، نفوذ جریان‌های سیاسی... وظایف: و - کشف و شناسایی فعالیت‌های سیاسی پرسنل و نفوذ جریان‌ها و شکل‌های سیاسی در ارتش و وزارت دفاع و سازمانهای وابسته"

اهمیت مساله برای رژیم روشن است. کسار تشکیلاتی کمونیست‌ها در میان پرسنل سازمان‌های مبارزه آنان، برای جمهوری اسلامی غیرقابل تحمل است. و نیز روشن است که مبارزه پرسنل هرگز متوقف نشده و در مقابل مختلف به اشکال گوناگون بروزی کند. به این دلیل مقابل به این روند مستقیماً تحت نظر مقام ولی فقیه و به دستور مستقیم وی، پیش برده می‌شود. در تیرماه ۱۶ گفته شده است: "رییس سازمان حفاظت اطلاعات از بین افراد مورد تأیید مقام رهبری منسوب می‌گردد... مستقیماً تحت امر مقام رهبری انجام وظیفه می‌نماید... علاوه بر آن سازمان مذکور در ارتباط مستقیم با وزارت اطلاعات بوده و حق بررسی صلاحیت امنیتی پرسنل را دارد و یکی از وظایف آن مطابق بند ماده ۱۶ "گزارش اطلاعات و اخبار امنیتی و احاطه به وزارت اطلاعات" می‌باشد. طرح بنحوی آماده شده که بتواند بصورت کامل متحرک و هدایت شده به هدف‌های آن عمل کند.

لب مطلب را می‌توان در یک جمله خلاصه کرد، بندها و تبصره‌های که در ماده ۱۶ بدینال هم در پیاف شده همگی برای نابودی شکل‌های بر سبل انقلابی و تحقق اهداف جمهوری اسلامی طراحی شده‌اند. دستبندی به چنین هدفی برای رژیم به آن سبب میسر نخواهد بود. زیرا ارتش تجزیه بر سبل انقلابی بهمن از سرگزرده است و قدرت خلق را در دست یافتن به خواستههای خویش دیده است. اندیشه انقلابی دیوارهای "مستحکم" ارتش شاه را فرو ریخت. بر سبل در یافتن زمان خلقی هستند که با خاست و طومار رژیم شاهنشاهی را در هم بیچید. بیسند از سرنگونی شاه مبارزه بر سبل وارد مرحله نویسی شد. این مبارزه در اشکال مختلف ادامه دارد و گسترش می‌یابد. جمهوری اسلامی نخواهد توانست آنرا خاموش سازد. بر سبل به اتکای مردم، هدف جمهوری اسلامی را در تحقق این طرح ضد ملی - مردمی نقش بر آب خواهد کرد.

"طرح قانونی ارتش" طرحی عساکر ارتجاعی است. تمام فعالیت و عملکرد "سازمان عقیدتی - سیاسی"، "سازمان حفاظت اطلاعات ارتش" و دیگر ارگانهای مطرحه در طرح مذکور برای سرکوب مبارزه بر سبل انقلابی، در اختیار گرفتن کامل ارتش برای سرکوب مردم و نیروهای انقلابی، و برای تجاوز بر سبل و برای پیش‌بینی و طراحی شده‌اند. ارتش اسلامی که آخوندها در پی‌آنها، ارتشی است متجاوز و سرکوبگر.

همان فدایی... بقیه اصفحه اول

به‌دور و راهی و آرماتهای مردمی خویش زیر شکنجه شهید شد.

رفیق ابراهیم یورنیا در سال ۱۳۲۸ در خانوادای زحمتکش، در یکی از محلات فقیرنشین تبریز دیده به جهان گشود. در شانزده سالگی کودکی، در قزوین برای اوست داد. رفیق ابراهیم در کودکی به‌کارگری پرداخت و در همان حال عشق به آموختن او را راهی مدرسه‌ها نماند. شرایط زندگی دشوار خیلی زود او را به ضرورت مبارزه علیه مستر مایه معتقد ساخت. او در جستجوی راهی برای مبارزه در سالهای ۵۰ با تعدادی از رفقای سازمان آشنا شد و با آنها می‌آنان را ملل لعدا دیات انقلابی را آغاز کرد. با شروع اولین خیزشهای توده‌ای بسه عنوان سازمانگری پر شور بیسنا پیش توده‌ها به حرکت درآمد. او که ازال ۵۲ همافرنیروی هوایی بود، به اعتبار آگاهی و شخصیت انقلابی‌اش که او را مورد احترام غمردیفان خود کرده بود، توانست نقشش جدی در سازماندهی مبارزات همافران علیه رژیم شاه ایفا کند. بعد از انقلاب وارد تشکیلات سازمان شادوکا انقلابی در بین نظامیان راپی گرفت. وی از سازماندهان اعتماد همافران تبریز در تابستان ۵۸ بود. با انتشار نشریه "سریا زوال انقلاب" به‌پخش نشریه پرداخت و خبرنگار فعال آن شد.

رفیق یورنیا در شهریور ۵۹ بدلیل فعالیت‌های انقلابی‌اش در ارتش نیروی هوایی اخراج شد. اما بعد از آن در اجتمع به فعالیت خود در پرسنل ادامه داد. در تابستان سال ۶۰ عده‌ای از رفقای سرباز، در جداره و همافران بیگانه نیروی هوایی تبریز دستگیر شدند. در این جریان رژیم پیش‌ازین به محبوسیت رفیق در میان پرسنل و نقش جدی او در سازماندهی آنرا بی‌برده دستگیرشدگان را برای یافتن رفیق

که ما هم با همه او در زندان مقاومت می‌کردیم و هرگز زیر شکنجه لب به سخن ننگود، اخیراً قهرمانان تازه‌ی سرکنجه به شهادت رسید. "جسد خونین و نیا رخورده ابراهیم از شکنجه‌های سخت و مقامتی سخت‌تر، حکایت می‌کند... بدین ترتیب ابراهیم، از آزمون آتش، سرفراز برآید."

رفیق ابراهیم یورنیا نمونه‌ای از یک نظامی کمونیست بود. زندگی و مبارزه‌اش می‌تواند برای الگویی برای همه نظامیان میهن‌پرست و انقلابی باشد که برای ایجاد معاشی عاری ازستم و بهره‌کشی سرما به‌داری و ایجاد رفاه خلقی بیگانه می‌کنند. یادبر فدایی او در خاطر ما فراموش‌ناپذیر است. میهن‌پرست و آگاه و در پاره‌ها کارگران و زحمتکشان میهن ما هواره زنده است. یادش گرامی و وراثت بر سر رهرو باد.

سربازان وظیفه! ارتشیان آگاه!
بسیجی‌های مخالف جنگ!
راه دستبندی به‌ملح، تشنه تشدید مبارزه است.
جبهه‌ها را به میدان تبدیلنا ت فدجنگ وضند
رژیم تبدیل کنید.
در عملیات و حملات شرکت نکنید.
اخبار مقاومت پرسنل مبارزه زحمتکشان در راه
ملح و آزادی را در دستگیرها پخش کنید.
با نزدیکترین و مطمئن ترین دوستان خود
هسته‌های کوچک تا ۳ نفری و کاملاً مخفی را
تشکیل دهید و فعالیت انقلابی را در جبهه‌ها
و پادگانها گسترش دهید.
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!



شود ای بابگاه نیرومند در میان طبقه کارگر بخود ارم
شوم. کارگران با دیدی بویژه در روزهای سخت ما را در
کنا روینما پیش خود بینند تا به ما یسها به پیشروان
و نمایندگان واقعی خود اعتماد نمایند. در این
راه چه فعالیت ما در دفاع از حقوق منصفی و
طبقه کارگران لطافت بسیار را نیز متمم
سند. نمیتوان نسبت به منافع جمع حاسیست
فوق العاده نداشته در عین حال پیشروم بود.
در جریان اولین موج باز خرید در ایران تا سونال
برخی از کارگران آگاهانه دست به افتخارگری
فعال علیه سیاست فدکا گری باز خرید زده و مقاومت
شده کارگران را علیه باز خرید زمان ندادند.
بلکه متاسفانه خود نیز در صف باز خرید ای گرفتند.
این کارگران اگر خود را کمونیست می دانستند،
ساخته اند نیروی ما ننجدون بیا نگرست است درست
و منافع منافع جمع ننوده اند، بلکه بیا نگر ضعیف
و هراس و سراسیمگی کارگران منفرد و نا آگاه بوده اند
و بس.

رفقای کارگرم در فعالیت های علمی روز سه
خود، سایدتنبها به حمایت از دیگر نمایندگان مترقی
اکتفا ننموده و با تطبیق آنها بر نامه عمل و
وظایف مبارزاتی خود را پیش بر بردند، بلکه در درجه
اول باید سعی کنند که خودشان، بمثابه بیگانه ترین
نمایندگان کارگران، مستقیماً طرح شوند. رفقای
ما باید زهرامکان جمع برای تبلیغ و ترویج
اندهای دموکراتیک و سوسیالیستی در توده کارگران
سودجویند. رفقای مسئول باید طبقه برخی از رفقای
کارگر که دارای نفوذ کلام و منطبق توده فهم هستند را
بطور موثر تر برای تبلیغ، افشاکری و صحبت با جمع
کارگران درنا ها خوری، سرویس، رخت کن و غیره
و حتی سخنرانی در جماع علمی منفی - با رعایت
قوانین منصفی لازم - سازمان دهند.

سکتارسم و انحلال طلبی، دموکراسی انحرافی

در چگونگی تطبیق میان کارمخفی و علمی برای
سازمانگیری جنبش توده ای و رهبری مبارزه کارگران
دموکراسی انحرافی بروز می کند؛ سکتارسم و انحلال
طلبی. سکتارسم بمثابه انحراف "جب" و انحلال
طلبی بمثابه انحراف راست، دوروی یک سکتا
ساکید بر ایجا هسته های مخفی کارگری در سونال
بلیسی، بعنوان شرط مقدم و طبقه اصلی کار سازمان
کرانه توده، تاکیدی است بسیار ضروری؛ اما
بی توجی و عدم استفاده از امکانات علمی و
قانونی موجود و عدم شرکت در شکل های علمی ای
- که در برگیرنده کارگران است - و لوازم شکلها
بسیار ارتجایی و ضد دموکراتیک نیز باشد، معنایی
جز سکتارسم ندارد. بسیاری از نیروهای سیاسی
مبین ما ممکن است در قبول اصل تطبیق کارمخفی
و علمی در شرایط پلیسی در دیدن نمانده اند، اما
آنچه که مهم است چگونگی کار بردن اصل در شرایط
منحنی، بروز ایران است. مثلاً "راه کارگر" ضرورت
شرکت و کار در نهروهای اسلامی کار را درک نمی کند و
غیر مسئولانه شما را انحلال آنرا می دهد. و فرقی
میان انحن اسلامی که ما با وسیع عنوان شکل
منفی کارگران ننوده و نیست، با شورای اسلامی کار
که علیرغم ارتجایی و ضد دموکراتیک بودنش، بسک
شکل منافی علمی است ننمی توان نندیدیند. ارزیابی
این سازمان از نهروهای موجود آنچنان ذهنی است
که حتی خلقت منفی آنرا نیز ننمی بینند و با این
توجیه که "این شورا سیاست رژیم درواحه های
تولید تفصیل می کنند" از فعالیت در آن سکتا
سریازی زند. شرکت در این شکلها برای انضای
قانون ارتجایی و ضد رگری شورا های اسلامی کار،
انسانی و ضد دموکراتیک تشکیل آن، افشاکری
طرد سکتان تحمیلی، خارج ساختن کارگران
از دایره نفوذ مسئولین، و جلب و جذب سکتا
کارگران به سیاست ویرانه عمل ما یک جزی است، عدم
شرکت در آنها یک چیز دیگر.

بدین است که هدف رژیم از تشکیل شورا های
اسلامی موجود، تفصیل سیاست خود در واحدهای
تولیدی و خدماتی است. واقعیت آن است که در بخش
اعظم واحدهای که انتخابات شوراها در آنها سکتا
برگزار شده، نتیجه کار ایجا دیک شکل منصفی
ارتجایی و وابسته به دولت بوده است، نه یک شکل
منفی مستقل. اینها نیز بیا بدتوجه داشت که در میان
شکل های منفی قانونی موجود، شکل مرکزی
و اصلی، شورا است نه تها و نیها و کمیته های منصفی
جنبی که صرفاً برای ساختن بیا بیا آن ساله
منفی تشکیل شده اند. البته این شکل های فرعی
بویژه تها و نیها عمدتاً دانه و بستگی شان به
ارگانهای حاکم بهر استبکتر از شوراها است، اما
جمعیت شورا بمثابه شکل منفی اصلی بسیاری
کارگران است، توجه به آن را در مقایسه با شکل های
علمی موجود بیشتر می طلبد. لذا مردود است
شرکت و کار در این شکلها و عدم استفاده از این
امکان علمی در شرایط ننوده هرگونه شکل منصفی

مستقل و توده ای چیزی است که لنین آنرا "سفا هت
غیر قابل بخشش" نامیده است.
تفکر سکتارستی، آسان طلبانه و غیر مسئولانه
از منحنی کار توده ای در درجای افتخار نشانه خالی
می کند و از کار بیگانه و پر شکست می گریزد.
لنین در چپ روی "بیما ری کودکی کمونیسم، تا کید
می کند:

"باید بهر گونه فداکاری شن داد و مواضع بسیار
بزرگی را از سر راه برداشت، تا بتوان به شیوه ای
منظم و پیگیر، سرخت، کوشا و شکیبا، درست در آن
مواضع، جوامع و جمعیتها، ولویی نهایت ارتجایی
که توده پرولتریای نیمه پرولتر را در بردارند،
به تبلیغ و ترویج پرداخت". او به تجربه از منحنی
کار بیلشویک در میان کارگران و در شکل های منصفی
بلیسی ساخته، چنین اشاره می کند:
"در دوره نزارسیم تا سال ۱۹۰۵، برای مساب
هیچگونه امکان علمی وجود نداشت، ولی وقتی
زوبتا تف ما مورلیسی، جلیست کارگری و جمعیت های
کارگری را با ندهای "ارباری" بدانداختن
انقلابیون و مبارزه علیه آنها بیا داشت ما اعضای
حزب خود را به این جلیست و جمعیتها می فرستادیم...
اعضای حزب ما در جماع با توده رتباط برقرار
می کردند، ما هراته راه را برای تبلیغات می یافتند
و کارگران را از زیر نفوذ پیروان زوبتا تف بیرون
می کشیدند.

اگر شرکت و کار در شکل های بلیسی ساخته ای که
به سر برداری "بانه های سب" و "بانه های آماندختن
انقلابیون" شکل می شده، مجاز است. چرا باید شرکت و
کار توده ای در شورا های اسلامی کار با همان هدفی
که لنین بر سرده غیر مجاز باشد؟ جز آن طلبی و
سأ توانی در کار دشوار توده ای، نمی توان هیچ
توجی برای اکتفا به حکام بیا کرد.
حاصل عمل تفکر سکتارستی در کار ننوده ای
میان طبقه کارگریست؛ لنین بیا مداین انحراف
را - وقتی که از امتناع کمونیستهای "چپ"
آلمان از شرکت در شکل های ارتجایی سخن می گوید -
این چنین خلاص می کند:

"این سفا هت، چنان با بخشودنی است که بسا
حدا عی خدمتگزارای کمونیستها به بورژوازی همباید
است."

روی دیگر این سکه قلمبه انحلال طلبی است. در
شرایط پلیسی و اختناق، اکتفا کردن به فعالیت در
شکل های توده ای علمی و قانونی، کم بیا دادن
به ضرورت ایجا در کاسیون مخفی در درون شکل های
علمی موجود و عدم سازماندهی هسته های مخفی کارگری
بعنوان آلترناتیو، راه را برای انحراف از
منی ویرانه عمل مستقل ایجا دیند و دنباله روی
راست روانه از منی حاکم بر شکل های قانونی
می گساید و به انحلال طلبی منجر می شود. این کرایش،
جنبه دیگری از تطبیق منافی کارمخفی
و علمی در شرایط پلیسی است. در این شرایط بدون
تکیه بر کارمخفی و سازماندهی هسته های مخفی
اتحادیه ای، نمی توان موفق بیا داشت شکل های
توده ای مستقل و نیرومندند. ایجا دیک چنین
شکل های نیرومندی می تواند از طریق منصفی علمی
توده ای شکل می توان از درون همین هسته های
مخفی، با از طریق شیخو شکل های زرد سکتا
نمایندگان واقعی کارگران (بویژه در شرایط
ضعیف کنترل پلیسی و کمترین امکانات علمی)
سود بیا بیند. اما در حال ایجا دیک چنین شکل های
و تحکیم و تثبیت این دستا وردها پیش از هر چیزی
منوط به کار سازمان نگرا نه مخفی و وجود هسته های
کارگری بمثابه بنیوانه و اهرم اصلی کار سازمان نگرا نه
توده ای است.

هسته مخفی کارگری، همچنانکه بارها گفتیم
سازمان منفی مستقل با اتحادیه دوره اختناق
است و درست بدلیل همین شرایط اختناق است که از
نظراً اختاری محدود بوده و فاقد ارتباط گسترده
و آشکار توده ای است. اما بر نظر از این تفصیل،
آنچه که این اتحادیه مخفی بویژه از این شکل های
علمی توده ای موجود مثلاً بزمی کند، سیاست ویرانه
عمل مستقل آن است. سیاستی که نا طریرا هدف فاتی
و آتی جنبش توده ای و دموکراتیک طبقه کارگراست.
و این درست آن جزی است که شکل های علمی
موجود علیرغم نفوذی فاقد اند. در نظر گرفتن
این ساله و دلخوش کردن به فعالیت در چارچوب
شکل های موجود به امید توسعه و تالی آنها،
سازمانگری توده ای کارگران را از دور نمای
انقلابی ای غایر کرده و در بهترین حالت کار را به
سندیکالیسم می گساید.
انگیزه و هدف از شرکت و کار در شکل های زرد،
برقراری ارتباط با توده ها، آگاه کردن آنها،
انضای قوانین و سیاستهای حاکم بران، خارج کردن
توده های کارگران از زیر نفوذ گردانندگان این
شکل های ارتجایی و جلب و جذب کارگران است، نه
تحکیم و تقویت این شکلها. چنانچه این اصل
را هم در استفاده از امکانات علمی موجود، رعایت
نکرد، نه تنها ایجا دیک آلترناتیو واقعی (یعنی

شکل منفی مستقل، توده ای و فراگیر) را در مقابل
شکل های ارتجایی موجود تسریع نخواهد کرد، بلکه
برعکس، شرایط تشکیل آنرا دشوار تر و زمان ایجا
آنرا طولانی تر خواهد کرد. و این نیز جلوه آشکار
دیگری از خدمتگزارای کمونیست به بورژوازی
است.

کار توده ای بیا بیا پذیر نیست

در کار سازمان نگرا نه توده ای میان کارگران،
عرصه ها و مسابلی مهم دیگری نیز وجود دارند که بیا
طرح درست و بیا سخگویی در خور بیا ن، بیا بد توجه و
نیروی سازمان منفی لازم را اختصاص داد.
هر چند رشته ها و لایه های مختلف کارگری در مجموع
خوب بیا نگریک کل واحد یک نیروی اجتماعی به نام
طبقه کارگرند، اما کار توده ای در میان لایه های
مختلف طبقه کارگر، با توجه به بیا بیا که از نظر
سطح آگاهی و وابستگی های علمی، رشته ای، ملی،
سنی و جنسی بیا آنها وجود دارد، از ویژگیهای
متفاوتی برخوردار است. فی المثل، کار در میان
کارگران صنعتی با کار در میان کارگران کشاورزی
از ویژگیهای متفاوتی برخوردار است. این
ویژگیها در تها در شرایط و وضعیت ما در حقوقی
آنها، بلکه در روانشناسی اجتماعی آنها نیز تاثیرات
معین بجا می گذارد و تبلیغ، ترویج و کار توده ای
بسیار گرا نه و سازمان نگرا نه را به درجات منصفی
مشرط می کند. ما بیا بیا بحث در شمارهای آینه
خواهیم برداخت.

عرصه مهم دیگر تشخیص مکانیسم های مشخص
ارتباط توده ای موثر میان طبقه کارگر و دیگر اقشار
و طبقات زحمتکش جامعه است. تحکیم پیوند توده ای
و سازمان منفی میان طبقه کارگر و دهقانان، زنان
جوانان، روشنفکران علمی، زحمتکش شهری و
خلفای تحت ستم کشور، قطع نظر از اینکه یک طبقه
سازمانی عام است بطور مشخص از عرصه ای علمی
کار سازمان نگرا نه توده ای در میان طبقه کارگر است،
مثلاً توجه به رابطه عینی و گسترده میان کارگران
کشاورزی و باسختانی و فطری با نیمه کارگران
روستا و دهقانان بویژه بی جزی و سازماندهی تحکیم
این رابطه، یکی از حلقه های مهم کار بسج کارگرا نه
توده ای در میان کارگران بمنظور تحکیم پیوند
میان کارگران و دهقانان کشور است. به این ترتیب
این بیا آن بخش از طبقه کارگر در ارتباط طبیعی
مستقیم و موثر با دهقانان مجال انتقال تجربه و
آموزش بیا بیا را می بیا بد چنانچه سیاست ویرانه
عمل روشنی ها دی این نیروها بیا بشود و نیروی سازمان
لازم به این عرصه کار را اختصاص بیا بد، چه بسا
کارگران بشیروکش و زری و باسختانی نقش موثری
در تدارک و سازماندهی هسته های اولیه تها دیند
دهقانان را نیز ایفا کنند. این حلقه های ارتباطی
مشخص در مسابلیت میان طبقه کارگر با دیگر اقشار و
طبقات زحمتکش و گروههای اجتماعی جامعه بطور
عینی نیز وجود دارد که بیا بد مکانیسم تقویت و گام
این همیونی های عینی را بطور مشخص شناخت و
آنرا گسترش داد.

مهمترین عنصر سیاسی در کار سازمان نگرا نه
توده ای در میان کارگران، بیا بیا دیک اندیشه ای
دستور العمل لنینی است که آموزش و سازمان نگسری
توده کارگران بیا بد چنان با شده که طبقه کارگر
علاوه بر دیک منافع طبقاتی خود، به مسابلیت
اجتماعی میان تها می اقا و طبقات جامعه بیا هم
و موضوع مرکزی این مسابلیت یعنی قدرت سیاسی
عمیقاً بی برد و خود را برای کسب آن مهیا سازد.

به برنامه های رادیو زحمتکشان ایران گوش فرا دهید

رادیو زحمتکشان ایران، صدای آزاده کارگران
و زحمتکشان کشور و صدای برحق شام محرومان میهن
است.
رادیو زحمتکشان ایران هر روز از ساعت
۷ بعد ظهر به مدت یک ساعت روی امواج کوتاه
۲۸ متر، ۴۹ متر و ۶۰ متر بیا هم بخش می کند.
این برنامه هر ساعت ۸ عصر همان روز و پنج روز بعد
تکرار می شود.
ساعت طول موج رادیو زحمتکشان ایران، صدای
رسانای صلح و آزادی را بیا طریرا بیا بد. وقت و طول
موج آن را به هم بگویید و در همه جا بنویسید.
برای مکاتبه با رادیو زحمتکشان ایران به
آدرس شریک "کارگران" کمیته مرکزی سازمان
فدائیان خلق ایران (اکثریت) نا به بنویسید.

هنر و ادبیات مردمی

از "آیدا، درخت، خنجر و خا طره":

زیبا ترین ترانه‌ات را بخوان
شکنجه پنهان سکوت را آشکاره کن
و هراس مدارا ز آنکه بگوبند
ترانه‌ای بیپوده می خوانند

چرا که ترانه‌ها ترانه بیپوده نیست
چرا که عشق حرفی بیپوده نیست
حتی بگذا رآفتاب نیز بر نیاید
بخاطر فردای ما اگر

برماش منتی است،
چرا که عشق
خود فرداست
خود همیشه است.

ای یار همیشه مومن
بیروزی تومیوه حقیقت تست ...
بیروزی عشق نصیب تو باد!

من فکرمی کنم
هرگز تنبوده
دست من
این سان بزرگ و شاد

احساس می کنم
در چشم من
به آتشرا شک سرخون
خورشیدی غروب سرودی کشد نفسی

احساس می کنم
در هر گرم
به هرتپش قلب من
کنون
بیدار باش قافله‌ای می زند جرس.

از کتاب: "باغ آینه"

من فکرمی کنم
هرگز تنبوده قلب من
ای تنگونه گرم و سرخ.
احساس می کنم
در بدترین دقایق این شام مرکزی
چندین هزار چشمه خورشید
در دلم
می جوشد از یقین.

احساس می کنم
در هر کتا رو گوشه این شوره زاریاس
چندین هزار جنگل شاداب
ناگهان
می روید از زمین.

آه‌ای یقین گمشده، ای ماهی گریز
در برکه‌های آینه لغزیده توبه تو
من بگیرم فیم، اینک به سر عشق
از برکه‌های آینه‌ها می به من بجو!



دولت ایران نیز از امضا کنندگان این موافقت نامه‌ها بوده است.
ما خواهان آزادی زندانیان سیاسی در ایران هستیم"

● جنبش زنان هلند در سیاه خودیاد آورده شد
● شیدا بهزادی تهرانی، مادر و مبارز ثابت قدم آزادی و بهروزی مردم ایران ... در زیر شکنجه‌های وحشیانه جان سپرد. او یکی از آخرین نمونه‌های جنایت روزمره رژیم جمهوری اسلامی است.

● انجمن زن و صلح فرانسه اعلام نمود:
"ما سرکوب و وحشیانه نیروهای مترقی در ایران بویژه تهاجم اخیر بر رفقای فدایی خلق ایران (اکثریت) را محکوم می‌کنیم و با شدیداً بهزادی قهرمانی که در زیر شکنجه‌های وحشیانه جلادان خمینی به شهادت رسید را گرامی می‌داریم."

● همبستگی ۱۲۰ حزب و سازمان، سندیکای کارگری و شخصیت‌های مترقی ایتالیا با زندانیان سیاسی ایران:

● موج همبستگی در ایتالیا بسیار رنجور و مندوفاگیر بوده است. ۱۲۰ حزب، سازمان و شخصیت ایتالیایی از جمله حزب کمونیست، حزب دمکراسی پرولتاریا، فراکسیون سنا شورایی کمونیست در سنا ایتالیا، تشکل‌های مختلف کشوری و شهری متعلق به زنان، جوانان، کارگران، نویسندگان و ... به انکسار کوناگون با زندانیان سیاسی ایران اعلام همبستگی کرده و ضمن محکوم نمودن رژیم حاکم بر ایران، خواستار آزادی زندانیان سیاسی شدند.

● در اسپانیا نیز در پی اعتصاب غذا و چهار روزه - اعضا و هواداران سازمان که در آن رفقای توده‌ای و عدای آزادی‌خواهان نیز در آن شرکت کرده‌اند، متشکل‌های مختلف کشوری و شهری متعلق به زنان، جوانان، کارگران، نویسندگان و ... به انکسار کوناگون با زندانیان سیاسی ایران اعلام همبستگی کرده و ضمن محکوم نمودن رژیم حاکم بر ایران، خواستار آزادی زندانیان سیاسی شدند.

● بسیاری از رسانه‌های عمومی جهان ضمن منعکس کردن اخبار مبارزات اعضا و هواداران سازمان در خارج از کشور، رژیم خمینی را محکوم نمودند. از جمله این رسانه‌ها "اومانیت" و "لیبراسیون" و "لوپوند" چاپ فرانسه، "مورنینگ استار" و "سان دیو" چاپ بریتانیا، "پانژمرا" "ماننیست" و "ماسا جرو" چاپ ایتالیا و خبرگزاری فرانسیس بودند.

● ایما دهمبستگی جهانی با زندانیان سیاسی ایران از محدوده اروپا و آمریکا بسیار رفتار ترفرت نیروهای شرقی‌خواه در کشورهای عربی، هندوستان، ژاپن و آمریکای لاتین هر کجا که به گونه‌ای بدرجانب جهانی برای محکوم نمودن رژیم تبهکار خمینی متشکل‌های مترقی می‌گمانند. این همبستگی پرشور جهانی به انقلابیون و مردم ما بیش از پیش نیروی بخشش را برای سرنگون کردن جمهوری اسلامی و پاک کردن لکه‌تنگی که بر دامن مینیم داشته است، متحسد و یکپارچه به پیشکار خود دادا مه‌دهند.

جهانی اتحادیه کارگری ...

● بیانیه سندیکای عمومی کار علیه سرکوب و اختناق در ایران:

● ژ.ت. بزرگترین تشکل کارگری فرانسه بیانیه‌ای علیه جنایت رژیم منتشر کرد. در بخشی از بیانیه آمده است:

"سندیکای عمومی کار فرانسه (ژ.ت. کسه) تاکنون با رها نشدن آشکار حقوق بشر در ایران را محکوم کرده است، اعتراض خود را در مقابل این سرکوب بر بر منشاء اعلامی دارد. سندیکای عمومی کار، خواهان پایان دادن به اعمال و شکنجه و همچنین آزادی تمامی زندانیان سیاسی در ایران است."

● اعلام همبستگی سندیکای عمومی کار (ژ.ت. ک) با فدائیان خلق:

● سندیکای عمومی ایتالیایی (ا.ا.ا.ا.) بزرگترین تشکل کارگری جهان، سرمایه‌داری، همبستگی خود را با سازمان ما اعلام کرده و علاوه بر آن اعضا و کارمندان برجسته ا.ا.ا.ا. بزرگترین اتحادیه کارگری ایتالیا، همبستگی عمیق خود را با زندانیان سیاسی ایران اعلام نمود و رژیم تبهکار خمینی را محکوم کردند.

● احزاب و سازمانهای مترقی یونان، هلند، دانمارک و فرانسه جمهوری اسلامی را محکوم کردند.

● حزب و سازمان معتبر یونانی از جمله حزب کمونیست یونان، حزب سوسیالیست متحد یونان، کنفدراسیون کارگران یونان، حزب کثرت یونان، حزب ۲۶ حزب، سازمان و شخصیت در دانمارک از جمله حزب کمونیست دانمارک، حزب سوسیالیست خلقی اتحادیه کارگران انبار و تجارت دانمارک و اتحادیه حرفه‌چین‌های دانمارک، ۱۶ حزب و سازمان در هلند و از جمله احزاب کمونیست هلند، آدیگال‌های شرقی، سوسیالیست‌های صلح طلب جنبش زنان هلند و اتحادیه نویسندگان هلندی، احزاب و شخصیت‌های معتبر و متعدد در فرانسه، آلمان، ژنرال، بریتانیا و سوئد به اشکال گوناگون، از جمله امضا، طومار، انتشار بیانیه و ارسال تلگرام همبستگی خود را با زندانیان سیاسی ایران اعلام نموده و رژیم خمینی را محکوم کردند.

● نمایندگان حزب کمونیست فرانسه اعلام نمودند که: سازمان سیاسی و فرهنگی فرانسه اعلام نمودند که: "ضمن محکوم نمودن دستگیری و شکنجه قریب هزار تن از اعضا و هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، ما امضا کنندگان، نمایان نگرانی خود را در مقابل خطر مرگیشان، این مینماید برستان و مقاومت و شجاع و مبارزانه مکرر و عدالت اجتماعی را تهدید می‌کند، با رژیم می‌کنیم. مساخواهان توقف فوری تها و زبه‌بدهی‌ترین حقوق انسانی و دموکراتیک در ایران هستیم. ما خواهان اعزام یک هیات تحقیقاتی به سرپرستی سازمانهای بین‌المللی دفاع از حقوق بشر و ارگانهای ملاحظه‌را سازمان ملل متحد به ایران هستیم. این هیات وظیفه تحقیق نسبت به تخطی وزیر پراگذاشتن مفاد موافقت نامه‌های بین‌المللی را بعهده خواهد دادا شده که

همبستگی جهانی ...

● جنبش کارگری و همبستگی عمیق خود را با نیروهای شرقی‌خواه ایران بویژه بهزادی زندانیان سیاسی و فدائیان در بند اعلام کردند.

● در داخل کشور نیز مبارزه برای نجات جان زندانیان سیاسی همچنان ادامه یافت. نیروهای سازمان علیرغم یورشهای بی‌سازمان و جنایت و جتایت، به افشای تیگاری‌های رژیم ادامه دادند. خواصده‌های زندانیان سیاسی اویشن و گوردهشت در دفاع از فرزندان زندانی خود به تحمیل در مقابل زندان گوردهشت دست زدند. زندانیان سیاسی در شرایطی که شکنجه و اعدام آنان را تهدید می‌کند، همچنان به مقاومت قهرمانانه خویش در مقابل دژخیمان رژیم ادامه دادند.

● بسیاری از همکسانی که همبستگی خود را با زندانیان سیاسی ایران بویژه زندانیان فدائیان اعلام کرده‌اند، با ارج گذاری بر تلاش هموطنان آزاده و میهن دوستی که به فراخوان سازمان پاسخ گفته و در مبارزه برای نجات جان زندانیان سیاسی مشارکت جسته‌اند، ضمن تقدیر از فعالیت اعضا و هواداران سازمان در سایر سرجهای ناز آن دعوت می‌کنیم تا با اعتصاب غذا، راه‌پیمایی، تحمیل، مراجعه به مراکز معشربین المللی و دیگر اشکال مقتضی کارزار همبستگی با زندانیان سیاسی ایران را قاطعانه و بی‌پیکرانه ادامه دهند.

● تنها راه جلوگیری از کشتار زندانیان، تداوم و گسترش با هم بیشتر مبارزه مشترک و یکپارچه همه نیروهای انقلابی، مترقی و آزادیخواه در داخل و خارج کشور است.

● آنچه در زیر می‌آید گزیده‌ای است از جلوه‌های گوناگون همبستگی جهانی برای نجات جان زندانیان سیاسی ایران در ماه‌های اخیر:

● قطعنامه هیات‌های نمایندگی ۱۸ کشور برای پایان جنگ و اختناق در ایران:

● شرکت کنندگان از ۱۸ کشور در کنفرانس "جبهه ملی پدروطن"، فراگیرترین سازمان سیاسی - اجتماعی جمهوری دموکراتیک افغانستان، بیانیه‌ای را امضا کردند که در آن آمده است:

"ما نگران جان دهها هزار زندانی سیاسی در ایران از جمله فدائیان و توده‌ای‌ها و دیگر سرشورهای دموکراتیک و مبارز می‌باشیم. معتقدیم جان آنان مورد تهدید جدی مرگ قرار دارد. انکار عمومی و همبستگی جهانی را به حمایت از این زندانیان و تلاش در جهت باز دید هیات‌های دیپلماتیک بین‌المللی از سیاه‌های قرون وسطایی جمهوری اسلامی ایران فرامی‌خوانیم. نمایندگان سازمانهای زیر از جمله امضا کنندگان این بیانیه بوده‌اند:

● انجمن صلح و همبستگی اتحاد شوروی - جبهه متحده بازاری و دفاع از سرزمین مسکدری کامپوچیا - سازمان کبیده‌های دفاع خلقی جمهوری دموکراتیک خلقی چین - جبهه ملی چکسلواکی - سازمان همبستگی خلقهای آسیا و آفریقا - شورای صلح و همبستگی سودا - کمیته صلح و همبستگی فلسطین - فدراسیون سراسری کارگران قبرس - جبهه میهنی کوبا - جبهه تلاش برای ساختن ملی - اتحادیه کارگری جبهه ملی ساندنیستی نیگاراگوئه - جبهه میهنی ویتنام - فدراسیون

یاد مهر ملان ...

باقیه از صفحه اول

بازده سال پیش در سرگام هاشم تیرماه سال ۵۵ در پی ضربات گسترده رژیم به سازمان ما، محل تشکیل اجلاس فوق العاده رهبری سازمان در مهاباد جنوبی در محاصره جلادان شاهنشاهی درآمد. حمید اشرف و یاران با لبانی سرودخوان تا آخر بستان تیرخشا و تا آخرین نان رنگ جنگندوسر راه آزمان بزرگ خوبی - کمونیسم - نهادند.

ضربات سال ۵۵ و بویژه ضربه ۸ تیرماه عسای بزرگ برای سازمان و براری کل جنبش خلق بود. بسا ضربه ۸ تیرماه می کار در رهبری سازمان به شهادت رسید. شهادت رفقا، بویژه شهادت رفیق حمید اشرف فاجعه ای بود که هر چه زمان پیشتر رفت، عمیق آن بیش از پیش برای جنبش روشنتر گشت. رفیق حمید همچون انسانی والا مبارزی با کباخته بیژانگری برجسته، رهبر و همیار و زینده ای جلاک سالها با رنگین رهبری سازمان در آن روزگار سخت را بدون کشید. مجموعه خصایل او همواره نیروبخش فداشیمان بود. او همچون بار تیرزانی چسور همواره از تیرسور گسترده بلیسی و از سخت ترین محاصره ها می رست تا کاری را که نیمه کاره مانده بود، ا ز سر گیرد. هم از این بود که رژیم برای دستگیری او چا بی زه ها تعیین کرد و بی ازشادات او، جلادان که نه بیسک می دانستند چه گوهری را از سازمان و جنبش خلق ربوده اند، با یکویی ها کردند.

ما این روز را روز شهادت رفقا را، روز شهیدای فدایی نام نهاده ایم. گرامی داشت ۸ تیر نه فقط گرامی داشت خاطر شهید ۸ تیر، بلکه گرامی داشت آن فداکاری ها و قهرمانی است که رفیق قهرمان حمید اشرف و یاران او سمسال آن بودند و از زمان آغاز همجون زندگیا ن مفت خدایان ساخته شده است. ما این روز را به مثابه نمونه قهرمانی فداشیمان سبیل ایمان آنان به آزمان طبقه کارگر و توده های زحمتکش و آینه روشن بشریت همچون تجسم شکست ناپذیری و ایستاد مردن گرامی می داریم. قهرمانی و جان بازی در راه خلق، بدون ایمان به فردا و عشق به خلق ناممکن است. ما آن ایمان و آن عشقی را که سرمنشا قهرمانی های فداشیمان و همه مبارزین خلق است از ج می نهیم و در برابر آن عزم و اراده ای که پس از ضربات ۸ تیر، سازمان را با برجانگسار دانت سرطعم فرودی آوری.

اینک با زدهمین سالگرد ۸ تیرمانی از راه می رود که فداشیمان همچنان در سخت ترین شرایط بلیستی در زیر سر نیزه و سلاح دشمن درگیرند، ما هنگامی به استقبال ۸ تیر می شناییم که رژیم خونخام تر از رژیم شاه سر قدرت است و ادا مدهندگان را ه تیرانی ها، با خون فداشیمان و ضومی سازند. اینک دؤخیمانی در پی فداشیمانند که کینه آنان، زاده ایمان مطلق به جهل و تاریکی است. ما در چنین شرایطی برچم تیر در را برافراشته ایم، تا راهی را که شهیدای ما آغاز کرده اند، پی گیریم. ما در هشتم تیر ما آن رفقای را که در سال اخیر با خون خود، پیوند استوار خویش با توده محروم و نقرت سوزان خود را از جامعه مبتنی بر استثمار زرد و خاک کمیست روحانی - سرمایه دار را به ثبات رسانند، گرامی می داریم.

را زورم شکست ناپذیری سازمانی کمونیستی را عمولا بهر من شکست ناپذیری آنته پیلوا ناضاته ای تشبیه می کنند و می گویند. در یونان باستان پیلو نی بودیم آن آنته فرزند دلمتر آله زمین، مادام که پای او بر زمین بود او از زمین - از ما در خود نیسر و می گرفت هیچ سلاحی بر او کارگر نبود و تنها نقطه ضعف او آن بود که او را از زمین - از ما درو منبغ قدرت خویش جدا سازند. هر کول بر این رازی سردود نبردی با او از زمین بلندش ساخت و در هوا خنجر را بر سینه اش نشاند، تا زمانی که سازمان کمونیستی از ما در خود او از منبغ لایزال قدرت خویش نیرو می گیرد هیچ نیرویی را برای نابودی آن نیست. اگر پیوند با توده ها ریز آسب ناپذیری سازمانی است، ایمان استوار به آزمان طبقه کارگر و توده ها و عشق آتشین به آینه و نقرتی سوزان بدشمن، رمز یاباری فرد کمونیستها در سخت ترین و جانگسار تر سبب شرایط است.

ما در هشتم تیر ما آن قهرمانی را که با قلبی آکنده از چنین ایمانی مبارزه کردند، گرامی می داریم و بیجان می بندیم که همواره بسه سنن قهرمانی ۸ تیر، به بیگانه تا پای جان و فساد را ما نمیم.

تاریخ نشان داده است که ما هر چند، بارها به خاک افتاده ایم، ولی هیچگاه بزا نود دنیا مده ایسم. ما می نمیم. ۸ تیر گواه آن است.

وزارت کار یا وزارت سرمایه؟

در آستانه اول ماه مه، روز کارگر، روزنامه اطلاعات، مصاحبه ای با سرحدی زاده وزیر کار و امور اجتماعی در ترتیب داد. موضوع اصلی مصاحبه سیاست دولت و وزارت کار و براری "حفظ اشتغال در شرایط نوین اقتصادی" بود. وزیر کار زاده در شرایط جدی "طرح نوین اقتصادی" است. این سیاست اقتصادی فدردمی را عا مل اصلی "حفظ اشتغال" و نتایج هنده تولیدنا مید.

واقعیت آن است که این سیاست که حدود ۲ سال پیش بدینا شدید بحران اقتصادی و تداوم جنگ طراحی شد، به نوبه خود اهرمی برای تداوم و گسترش جنگ و نظامی کردن اقتصاد کشورند. برخلاف ادعای وزیر کار و عوارض فلاکت با اجرای این طرح در شددید و خامت زندگی کارگران و زحمتکشان کشور پیش ازین ما هیت ارتجایی آثر به ناما پیش گذاشته است.

وزیر کار با گستاخی تمام در توجیه نظامی کردن بخش مهمی از تولید می گوید: "برای حفظ اشتغال حتی دورترین منابع ما که هیچکدام را ارتباطی بسا مصالح نظامی ندارند، به نوبه خود برای حفظ اشتغال دست به تولیدات نظامی در حوض خود زدند و از این طریق به میزان بسیار زیادی توانستند سطح اشتغال را حفظ کنند."

هر قدر هم که وزیر کار بگوید با تحریف و دروغ حقایق تلخ را بپوشاند، کارگران و زحمتکشان خوب می دانند که عامل اصلی راه افتادن سیل اخراجها و آوارگی و بی خانمانی آنها جنگ است. سرحدی زاده بدون آنکه بگوید که چرا امروز ما له اخراج و بیکاری تا این اندازه کادور اف گشته، "راه حل" پیشنهاد می کند و این راه سیاست نوین جنگی را برای مقابله با اخراج و حفظ امنیت منطقی عرضه می کند. وزیر کار می خواهد آتش را با بنزین خاموش کند.

خوب است اگر سرحدی زاده اینرا نداند، بدانند که سیاست حفظ اشتغال از طریق نظامی کردن اقتصاد، شمارا بدای او دولت خدمتگزار کسان سرمایه داران و بزرگان ما لکان نبوده، بلکه سیاست ارتجایی ترین محافل جنگ افروزا میریالیستی و "راه حل" انحصارات نظامی - صنعتی است و "حفظ اشتغال" و "مقابله" با بحران بیکاری است. طبق ادعای وزیر کار، گسترش تولیدات نظامی به میزان زیادی سطح اشتغال را حفظ کرده است. چند روز قبیل از مصاحبه وزیر کار، در ۷ اردیبهشت ۶۶، روزنامه دولتی کیان اعلام کرد که: "فقدان می شود رقم کارگرنی که بطور غیرارادی تاگزیر از ترک فعالیت حرفه ای و شغل خود می شوند تا پایان سال ۶۶ از مزه ۷۶ هزار تن خواهد گشت". علیرضا محبوب دبیرکل خانه کارگر و متروپا و روس و بیژنه نخست وزیر نیز در همان شماره کیان گفت که: تعداد اخراجی های سال ۶۶ بر مراتب بیش از سال ۶۵ خواهد شد.

وزیر کار در همین مصاحبه در توضیح عوامل دیگر "حفظ اشتغال" در برتوسایست نوین اقتصادی چنین می گوید: "همچنین تلاشهایی که در زمینه صادرات غیر نفتی صورت گرفت و روز بروز در حال توسعه است و این امر نیز به توسعه تولیدات غیرارادی منبسط می شود عا ملی برای حفظ اشتغال با ایجاد اشتغال جدید در اقتصاد است." این مثل روز و بزرگ روشتن است که اقتصاد وابسته کشور و تکیه به بردار مدنفعت علی سالیان دراز، رژیمهای سرمایه دار را محبور به واردات بخش های مهمی از احتیاجات مصرفی داخل کشور کرده است. رژیم سرمایه دار جمهوری اسلامی نیز از این قاعده مستثنی نبوده و نیست. با این اقتصاد بحرانی و بیسار، تولیدات داخلی هیچگاه کفا یا مصرف داخل کشور را نمی کند، چه رسد به صادرات وسیع آن بعنوان یکی از منابع مهم تامین رز. جز آنکه از همان حاکم بر کشور، محصولات مورد نیاز داخل را به قیمتها ی نازل صادر میکنند تا جزئی از ارز مورد نیاز برای ادا مه جنگ را تامین کنند. که البته یکی از علل کمیابی و گرانی سرام و اوجناس و ایجاد بازاریا برای ابتدایی ترین احتیاجات توده مردم نیز همین است.

سرحدی زاده در پاسخ به این سؤال که قوانین کار و بیمه بیگاری و تامین اجتماعی در چه مرحله ای از تصویب و ابلاغ است گفت: "قانون بیمه بیگاری و تامین اجتماعی در مرحله تصویب است. شورای اسلامی پذیرفت. شورای محترم نتوانی مواردی از آنرا اشکال داشتند. امیدواریم که واقعا توجه کنند، ما قانون بیمه بیگاری را به گونه ای تنظیم کردیم که فا لبا خود کارفرمایان (چرا بخش دولتی وجه از بخش خصوصی) به این امر رضایت داشتند. ما نظر خواهی کردیم و از آنها نظر گرفتیم و سپس گستاخانه ادا مه می دهیم: "همینطور منتظیم و به میل خود چیزی را بنویسیم. کار نشان چه از بخش دولتی وجه از بخش خصوصی در تنظیم این قانون شرکت داشتند و بهیچ حال کارفرمای بخش خصوصی را می توانستند که کارگرها تجربه خود را اندکی تحت پوشش بیمه بیگاری قرار دهند تا او را اندکی کند."

"عدالت اسلامی" در عمل

هر روز که از عمر نتگین جمهوری اسلامی می گذرد، حلقه کمربند بیگاری، گرسنگی و بی خانمانی پر بردوزحمتکشان میهن ما تشنگی می شود. بیساری از زحمتکشان میهن ما، حتی نان خالی را به زحمت تهیه می کنند و این در حالی است که تقدینگی بخش خصوصی به بالی رقم ۱۰۰۰ میلیارد تومان رسیده است.

فقر عمومی بحدی گسترش یافته است که سرداران رژیم را نیز مجبور به اعتراف کرده است. جندی پیش غلامحسین نادی نماینده مجلس گفت که از مجموع ۱۳/۳ میلیون نفر جمعیت فعال ایران، نزدیک ۴ میلیون نفر بیگاری هستند و مجموع ۵۰ میلیون نفر جمعیت ایران، ۱۲ میلیون نفر از نظر اقتصادی بسیار محروم و ۲۲ میلیون نفر بسیار آسیب پذیر و ۱۱/۷ میلیون نفر بیچاره و از نظر اقتصادی ۱/۳ میلیون نفر از نظر اقتصادی مرفه می باشند. او سبب فاش ساخت که نرخ تورم در سال جاری ۴۶/۵ درصد است. تا بلوی فوق از یکسویان می دهد که جمهوری اسلامی کمتر از ۲/۵ درصد جمعیت ایران را از نظر اقتصادی مرفه هستند و از سوی دیگر بیگاریان است که اکثریت تریب به اتفاق جامعه در فقر عمومی بسر می برند و بیگاریان اقلیت ناچیز "ماحب" کل ثروت عمومی جامعه هستند. اعتراف موسوی نخست وزیر رژیم در این رابطه بی نیاز از هرگونه توضیحی است. او در اردیبهشت ماه ۶۵، در مصاحبه با اطلاعات چنین گفت: "مردم ما در طول ۷ سال (۵۶ تا ۶۶) ۴۳ درصد فقیرتر شده اند، از طرفی تقدینگی بخش خصوصی در سال ۶۴ نسبت به سال ۵۶ حداقل ۴ برابر شده و دولت ۸۰۰۰ میلیارد ریالی یعنی بیشتر از بودجه به بیچارگان می داد. طی این چندسال اخیر نیز وضع به مراتب بدتر شده و فقر بر زندگی حقوق بگیران و مزد بگیران جامعه ما به ندادخته است.

علیرغم این وضع هشدار رژیم تهبکار خمینی هیچ تلاشی نمی کنند که وضع زحمتکشان اندکی بهبود یابد. قیمت کالاها همچنان تصاعدی بالایی رود. بیگاری بیش از پیش جنبه همگانی پیدا می کند و در نتیجه با اعتراض سردمداران رژیم "گوشه میوه برای خانواده های کم درآمد، آرام، آرام دارد جنبه دارو پیدا می کند" (نما بنده خرم آباد رسالت ۲۱ اردیبهشت ۶۶).

وضع مسکن برای زحمتکشان در آوار است. هم اینک بیش از ده درصد در آوارخانه اکثریت زحمتکشان صرفا اجاره خانه می شود. دورتا دورا شیشه شیشه های بزرگ را آلونکهای حلبی و خانه های چادری پر کرده است و همگی آنها از ابتدایی ترین امکانات رفاهی نظیر آب لوله کشی بی بهره اند.

بیگاری نیز که خود معلول نظام منخط سرمایه داری است و در شرایط مشخص میهن ما، جنگ از عوامل تشدیدان است، روز بروز گسترش می یابد و باعث هر چه بدتر شدن زندگی زحمتکشان می گردد. در این وضعیت، اخراج گروهی کارگران توسط ارتجاع جاک همچنان ادا مه می یابد.

با وجود اینکه "هر روز بی پول بولداران افزوده می شوند و محرومین بیشتر در تنگنا قرار می گیرند" (نما بنده شوهر - کیان ۳۰ فرودین ۶۶) رژیم در نظر دارد هر قدر که تبش می برد، کسری بودجه اش را نیز از طریق غارت زحمتکشان تا مین نماید. علاوه بر آن آنجا که بیش از ۹۰ درصد آوا درزی جمهوری اسلامی بصورت دلار حاصل می شود، با کاهش قیمت دلار در بازارهای بین المللی، زحمتکشان میهن ما با بیستی با رنگین تورم حامل از توان قیمت دلار نیز بیرون بکشند.

نغمه های شوم هر چه وخیم تر کردن شرایط زندگی مردم، شب و روز از حلقوم دست اندکاران رژیم، به گوش می رسد. آنجا که به اعتقاد آنها جنبه موهبتی است الهی که برای پیدا کردن "احکام اسلام عزیز" ضروری است، مقداری که در جمهوری اسلامی بخاطر استقرا زحمت الله در روی زمین زحمتکشان بی سابقه ترین محرومیت ها را تحمیل کنند. که البته این محرومیت ها شامل حال فقها و تجار "محترم" و سایر سرمایه داران و مالکان اراضی و خلاصه خودیها نخواهد شد.

رژیم جمهوری اسلامی از همان آغاز بنیان گذاشتن در راه حفظ نظام سرمایه دار و کوشیده و زمین به غارت هر چه بیشتر زحمتکشان توسط سرمایه داران، بویژه تجار "محترم" ارفراهم ساخته است. به همین جهت تصادفی نیست که بشنومیم تنها طی سال پس از انقلاب ۴۳ درصد مردم فقیرتر شده اند و در مقابل ثروت سرمایه داران بیش از ۴ برابر شده است.

تا وقتی که نظام سرمایه داری با برجا است، بیگاری، گرسنگی، بی خانمانی و هزاران مشکلات طاقت فرسای دیگر نیز با برجا است. این نظام سرمایه داری است که باعث ایجاد دوگسترش فقر عمومی است، و به همین دلیل تا وقتی که این نظام برجا است و نظام سوسیالیستی جای آن نگرفته است، بی عدالتی و فقر نیز به درجات مختلف با برجا خواهد بود.

با جمع آوری کمک های مالی فدائیان خلق را در انجام وظایف انقلابی خود یاری دهید.

پیشنهادات پیمان ورشو درباره صلح و خلع سلاح

روزهای هفتم و هشتم خرداد ماه، رهبران دولتی و حزبی کشورهای عضو پیمان ورشو، اتحاد شوروی آلمان دموکراتیک، بلژیک، فرانسه، ایالات متحده آمریکا، لهستان و مجارستان در برلین گرد آمدند تا در مهم ترین مسأله جهان معاصر یعنی تأمین صلح و جلوگیری مابله با گسترش سلاح اتمی و نابودی آن مشاوره کنند.

سران کشورهای عضو پیمان ورشو با تأکید بر توسعه از زمین بردن خطر جنگ و تأمین صلح و امنیت و توسعه صلح عمومی پیشنهادات خود را طی سندی ارائه نمودند و کشورهای امپریالیستی و اعضای پیمان ناتورا به پاسخ مثبت به پیشنهادات خود اقدام کردند. اجلاس شورای برلین برنا مه پیشنهادی گسترده خود برای سالم سازی اوضاع جهان را بشرح زیر فرمولبندی کرد:

– صلح کامل و هر چه زودتر از مایشات هسته‌ای بعنوان گام اول در راه محو سلاح هسته‌ای، کاهش مرحله به مرحله وسایل نابودی کامل این تسلیحات و جلوگیری از گسترش مابقی تسلیحاتی به فضای گیاهی.

– محو سلاحهای شیمیایی و دیگر انواع سلاحهای کشتار جمعی
– برچیدن موشکهای میان برد آمریکا و شوروی و نیز نابودی موشکهای عملیاتی – تاکتیکی – در اروپا.
– کاهش تعداد دینقراط نیروهای مسلح و کلاهکهای هسته‌ای در اروپا.

– کنترل اکتیدر تمام اقدامات مربوط بسسه خلع سلاح با استفاده از امکانات ملی و بین المللی کنترل
– ایجاد مناطق آزاد از سلاح اتمی و شیمیایی در اروپا و دیگر مناطق جهان.

– خودداری متقابل کشورهای عضو پیمان نه‌سالی و شوروی تا از توسل به قدرت نظامی، انحصار سلاحهای پانگه‌های نظامی در اراضی دیگر کشورها و فراهو اندن نیروهای مسلح به محدوده مرزهای ملی.
– خارج کردن سلاحهای خطرناک تهاجمی از مناطق تمام مستقیم میان دو پیمان نظامی.

– انحلال همزمان پیمان ناتو و ورشو، بعنوان گام اول در جهت از بین بردن رگبهای نظامی و طرف در دنیا و ایجاد سیستم جامع امنیت بین المللی. شرکت کنندگان در اجلاس مشا و ره برلین با اظهار نظر پیرامون جنگ ایران و عراق بعنوان یک کاسه نسون مهم و خطرناک که صلح منطقه و جهان را به خطر انداخته است، خواهان قطع هر چه زودتر جنگ شدند و تا کید نمودند که مساله مورد اختلاف طرفین باید از طریق مذاکره و طبق موازین بین المللی حل گردد.

شهادت دکتر حمدانه، کمونیست برجسته لبنانی

بدنبال جنایت قتل رفیق کمال مروه، کمیده مرکزی حزب کمونیست لبنان، راجل برجسته سیاسی و محقق سرشناس و عده‌ای دیگر از مسئولین حزب کمونیست لبنان، دکتر حسن حمدانه عضو دیگر کمیده مرکزی حزب کمونیست لبنان نیز در ماه گذشته در حوالی منزل خود در بیروت هدف سوء قصد چند مرد نقابدار قرار گرفت و به قتل رسید.

در ماه مارس سال گذشته نیز رفقا سهیل تاویل عضو دفتر سیاسی کمیده مرکزی و سردبیر نشریه "الطریق" و خلیل نشون عضو کمیده مرکزی حزب کمونیست لبنان ناچاراً نمراد تا توسط دستجات مرتجع اسلامی لبنان به شهادت رسیدند.

اقدام جنایتکارانه ترور اعضای کمیده مرکزی و مسئولین حزب کمونیست لبنان، نشان میدهد که مرتجعین زگسترو شورش حکیم فراینده موقعیت طبقه کارگر و نفوذ روز افزون اندیشه و سیاست حزب کمونیست لبنان است. کمونیسم ستیزی محافل مرتجع و تروریست لبنان، این منادیان تفکر ترور و سطا می رادرف خادمان امپریالیسم و مپیونسیسم در منطقه قرار می دهد. آنجا که حضور فعال کمونیستها و رونق و اعتبار جنبش کارگری و کمونیستی را معادل زوال و نابودی تاریخ اندیشی و تحریر می بینند، چاره کار را در محای فیزیکی رهبران جنبش کمونیستی جستجو می کنند. همبستگی های آنست که در جمهوری اسلامی نیز همین شیوه و سیاست را مدت هاست تهبه کارانه دنبال می کنند. مرتجعین چند ایران وجه در لبنان و در هر جایی این گروه خاکی با ید دارند که با قتل و کشتار و شکنجه کمونیستها نه تنها صدای حقیقت عاشق را خنثی نمودند، بلکه آتش کینه‌ای که در دل عاشقان کمونیسم علیه ارتجاع و سرمایه داری شعله ور است فروزا نتر و چهره کریه دشمنان مردم آتش ترمی گردد.

سازمان ما با انزجار و روتنفر شدید نسبت به ایسین جنایت هولناک مراتب تأثر عمیق و همدردی خود را نسبت به حزب کمونیست و مردم لبنان اعلام می‌دارد.

اجلاس سران ۷ کشور امپریالیستی

سران ۷ کشور بزرگ سرمایه داری: آمریکا، انگلستان، فرانسه، آلمان فدرال، ژاپن، ایتالیا و کانادا طبق معمول هر ساله در تاریخ ۱۸ خرداد در شهر ونیز ایتالیا گرد آمدند تا درباره مشکلات اقتصادی کشورهای خود و بیورگلی جهان امپریالیستی چاره اندیشی کنند. ولی عملاً مسایل خادسیا سی جهان، مسایل اقتصادی در دستورگنفرانس را تحت الشعاع خود قرار داد و سران ۷ کشور نتوانستند به اختصار هیچ عملی لازم در عرصه اقتصاد دنیا با صلح آیند. علت اصلی عدم توافق راه حل های اقتصادی را با ید اختلافاتی دانست که هم اکنون بین امپریالیسم آمریکا و کشورهای اروپایی و ژاپن بر سر تثبیت نرخ ارزها، نوسانات ارزش دلار و افزایش فروش کشورهای مختلف از جمله خود آمریکا و تأثیرات مخرب کسری بودجه آمریکا بر سایر پرکشورها و نیز عدم توازن مبادلات با زرگانی، موجود است.

بحران خلیج فارس و جنگ ایران و عراق از جمله موضوعات مهم گنفرانس بود. در این زمینه آمریکا تلاش کرد که یک نیروی ضربتی مشترک برای "حفاظت کشتی ها" را سازماندهی کند و متحدان خود را وارد

جنگ زرگری با آمریکا و ادامه معاملات پشت پرده

هیاهوی تبلیغاتی و جنگ زرگری میان رژیم خمینی و دولت ریگان کماکان ادامه دارد و هر سر از گاهی نیز او ج می گیرد. خمینی در سخنرانی خود بیعتا سبت عید فطر با ردیگر به برخاشجویی علیه آمریکا پرداخت. سخنان او پاسخی بود به اظهارات ریگان که چند روز قبل از آن رژیم ایران را رژیم وحشی خوانده بود. البته خمینی در این پاسخ گویی ملاحظاتی روابط پشت پرده را از نظر دور نداشت و به جای آن شعارهای آتشین قبلی به این اکتفا کرد که گفته‌های ریگان را سخنان "بی حساب و سرخود" بخواند و "ملت‌های ضعیف" را به کوبیدن" منطبق "ریگان دعوت کند. اینگونه خط و نشان کید دنیا و چارو – جنگیایی تبلیغاتی از سوی مقامات دور رژیم با شدت و ضعف همچنان ادامه دارد. هدف واقعی رژیم از این تبلیغات و هیاهوی خصمانه، از یک طرف برای انحراف افکار مردم از کتد اب نجاتی است که اکنون حکومت اسلام در آن عوطه و راست از سوی دیگر، بمنظور باز زرگری بیشتر بین روسیسان سیاسی است که به قول خمینی نمی خواهند تقسط "گاشیرده" باشند و از این معامله پرسود پیس بیشتر می طلبند.

اما در پس این هیاهو، آخوندها با سرعت بکسر خویش مشغولند و گامی تا زده‌ای در جهت جوش دادن میان "حکومت اله" با "حکومت شیطان" بر می دارند. آخرین گام از سوی امپریالیستهای آمریکا بی سابقه در تاریخ ۲۴ اردیبهشت ماه بود. وجود فوق حدود ۵ سال دریا کت "فدرال زرگری آمریکا مانده بود. این گام آمریکا همان "علامت" و "شرطی" است که رفسنجانی خاش با رها آتش نشانه "حسن نیت" آمریکا خوانده بود. وی ۴۰ روز قبل از این واقعه نیز مجدداً تأکید کرده بود: "من اینرا مکرراً گفته‌ام، ما یک علامت گذاشته‌ایم که آمریکا می تواند حسن نیت خود را ثابت کند و آن آنرا کسردن اموال ما است که غیراً کونی در آمریکا توقیف شده است" (مصاحبه مطبوعاتی اول اردیبهشت). علیرغم اینکه "یک مقام ایرانی پس از استرداد اموال توقیف شده با قسم و آیه خواست ثابت کند که این وجه به هیچوجه بسا مسایل سیاسی ارتباطی ندارد" (کیهان ۲۴ اردیبهشت)، اما این "حسن نیت" آمریکا بلافاصله با اقدام متقابل از سوی جمهوری اسلامی در رابطه با آزادی زرگانه‌های آمریکایی در لبنان همراه گردید و آشکار شد که رفع توقیف از مسال ایران برخلاف یاهوهای "مقام ایرانی" هم بسا آزادی زرگانه‌ها و هم با مسایل سیاسی دیگر ارتباط دارد.

روز ۴ خرداد یعنی ۱۰ روز پس از استرداد ۴۵۱ میلیون دلار نماینده پارلمان و وزیر مشا و ر اسبق در امور خارجه آلمان فدرال به انتقال ق مشا و سیاسی صدارت عظم و سفیران کشور در ایران با رفسنجانی دیدار کردند. مشا و ر اسبق ضمن ابراز حمایت دولت آلمان از رژیم جمهوری اسلامی، خواهان کمک این رژیم در مورد مساله زرگانه‌ها شد. رفسنجانی نیز بیخاطر احترامی که برای آقای گنر (وزیر امور خارجه آلمان امپریالیست) قایل است در پاسخ به این تقاضا قول همکاری داد و در عوض خواستار رشیکه دولت آلمان فعالیت ضد رژیم سازمانهای سیاسی ایرانی در آلمان را ممنوع سازد.

که به این طرح بپیوندند. طرح ریگان در صورت اجرا، خواهد توانست اولاً حضور و کنترل نظامی بیشتر آمریکا را در سرتا سرخلیج فارس تا منجمد نماید. ثانیاً با خطر گسترش دامنه جنگ در ابعاد سراسر منطقه را به همراه خواهد داشت. این طرح از جانب سایر کشورهای امپریالیستی، در کتفرانس مورد استقبال قرار نگرفت.

سران ۷ کشور شرکت کننده در کتفرانس علیرغم اینکه خود تاکنون عمده ترین تا منجمد کننده سلاح برای ادامه جنگ ایران و عراق بوده‌اند، عوام رفیبانه خود را با این یافتن جنگ شده‌اند. کتفرانس با وجود اینکه پذیرفت اما نسبت جدیدی برای پیشرفت مناسبات کشورهای سوسیالیستی و کشورهای بزرگ سرمایه داری فراهم کرده است، پاسخ مشخصی به پیشنهادهای اخبار اتحاد شوروی در مورد موشکهای میان برد عملیاتی – تاکتیکی نداد. در عین حال بر لزوم حفظ نیروهای هسته‌ای غرب تأکید نمود.

کتفرانس نیز یک سیزدهمین دیدار رهبران ۷ کشور بزرگ امپریالیستی بود و برای برپا بسی آن هیاهوی تبلیغاتی بسیار راه انداخته شد. در پایان خود در هیچیک از مسایل اقتصادی مهم بسسه توافق نرسید.

همان روز را دیو آمریکا خبرسازت مقامات آلمانی به لبنان را جهت آزادی زرگانه‌ها پیش کرد. این بهدوستانها با گام دیگری از سوی جمهوری اسلامی همراه شد. چند روز پس از وقایع فوق روزنامه "الشراع" یعنی همان روزنامه‌ای که بسرای نخستین با خبر سرتیمک فالین به ایران و بنسند و بست های پشت پرده دو رژیم را فاش ساخت، بخسر داد که یک کمیده ۵ نفره در تهران برای نظارت بر آزادی زرگانه‌ها در لبنان تشکیل شده است. در این کمیده ۵ نفره، احمد خمینی، رفسنجانی، خا منده‌ای، محسن رفایی و رفیق دوست یعنی ۵ تن از سران درجه یک رژیم چناینگا خمینی شرکت دارند و خود خمینی نیز سخنا چنر آن نظارت می کند.

تشکیل چنین کمیده‌ای در چنین سطحی نشان اهمیت فوق العاده‌ای است که رژیم اسلامی برای حل مساله زرگانه‌ها در لبنان قایل است. واضح است که تلاش رژیم چناینگا روآدمکش خمینی برای آزادی زرگانه‌ها، برخلاف تبلیغات حکومتی بخاطر "اهداف بشردوستانه" نیست. این رژیم در طول ۸ سال حاکمیت خود با رها نشان داده است که هیچ قربانی با بشردوستانه ندارد. رژیم از تلاش بسرای حل مساله زرگانه‌ها، مساله‌ای که بی تردید خود در ایجا آن نقش داشته - هدفهای سیاسی معینی را دنبال می کند که عمده ترین آن برداشتن موانع در پیشبرد سیاست سازشکارانه خود در نزدیکی بیشتر به امپریالیسم آمریکاست. تشکیل چنین کمیده‌ای را که نشان "حسن نیت" رژیم اسلامی و در واقع تراغ سبزدگری به امپریالیستها است، باید نشان تازه درجه نزدیکی جمهوری اسلامی به آمریکا دانست. خمینی در آزادی حل و فصل مساله زرگانه‌ها چشم به سلاحهای آمریکایی دوخته است. مساله او و در شرایط فعلی داشتن سلاحهای بیشتر برای ادامه جنگ ارتجاعی است.

تعمیل آخوندها برای بازسازی روابط با آمریکا از موقعیت دشوار حکومت آنها ناشی می شود. رژیم مدت هاست در گام زان برین بست جنگ و بحران همه جانبه در هم فشرده می شود اما هم جنگ به روال قبلی بسر خلاف تبلیغات رسمی حکومتی، باریسکه بزرگ مساله همراه است، رژیم نتوانسته هیچکدام از وعده های خود در مورد "پیروزی" ادعایی را عملی سازد. نفرت مردم از جنگ به چنان حدی رسیده که هر واقعه کوچک می تواند به چنانده‌های بزرگ و انفجار خشم مردم بیانجامد. اما هم جنگ با فقر و گرسنگی و بیگاری و کشتار گسترده همراه است و امکان گسترش جنبش انقلابی را دوچندان کرده است. رژیم علیرغم تبلیغات تنوع آرو خود در باره "موفقیتهای حکومت قدرت اسلام"، مبارزه با برقدرتها " و... دریافت است که برای پیروزی بر صدام و برای اداره کشور به شیوه سرمایه دارانه (یعنی غارت و سرکسوب اکثریت مردم توسط اقلیتی محدود) به حمایت هر چه بیشتر امپریالیستها نیاز دارد. و از اینبویا سبدر گنداب خیانت دیگری فرورفته و برای نزدیکی بسه امپریالیستهای آمریکا بی شتاب می ورزد.

نتیجه ناگزیر این نزدیکی آتایی امپریالیستهای آمریکا بی وضعیت رژیم اسلامی است. این روابط برای زحمتکشان ایران جز بدبختی و ستم بیشتر، محصول دیگری به همراه نخواهد داشت. نفوذ گسترده تر امپریالیسم در میهن ما یعنی غارت بیشتر مناسبت و تروشیای مردم، یعنی استعمار وحشیانه تر کارگران و زحمتکشان، یعنی عقب ماندگی بیشتر جامعه، یعنی تبدیل ایران به ابزار سیاستهای سلطه گرانه و جنایتکارانه امپریالیستها به مردم ایران چنین سلطه‌ای را نخواهند پذیرفت.

